

داعش، رسانه، خشونت



دبیر پرونده: سعیده زکی خان

- داعش؛ از نیست تا هست! (محمد ابراهیم نژاد)..... ۵
- خشونت؛ یک برند جذاب؟! (گفتگو با دکتر صفاری نیا)..... ۱۷
- داعش در رسانه (محمد رضا عشوری مقدم)..... ۲۲
- خشونت و مشروعیت (دکتر سید یاسر قزوینی حائری)..... ۲۷
- داعش: دال بدون مدلول (سید مهدی ناظمی قره باغ)..... ۳۴
- نشست رسانه و داعش..... ۴۱

مرکز اندیشه‌ای رسانه‌ای شعوبا



shouba.ir

امروزه رسانه‌ها ابزار قدرتمندی هستند که در شکل‌دهی افکار عمومی نقش اساسی و مهمی را ایفا می‌کنند و سلاحی در خدمت جنگ روانی هستند. جنگی که به منظور تاثیرگذاری بر عقاید، فرهنگ، سیاست، احساسات، تمایلات، رفتار و مختصات فکری طرف مقابل انجام و در آن، به‌جای ابزار جنگی، از ادوات فکری و فرهنگی و رسانه‌ای، استفاده می‌شود. بنابراین جنگ روانی؛ هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای است که مخاطبان را نشانه گرفته و بدون درگیری فیزیکی و استفاده از زور و اجبار، طرف مقابل را به انفعال و شکست وا می‌دارد.

پس از ظهور جریان‌های انحرافی تکفیری در منطقه، فعالیت‌های رسانه‌ای این گروه‌ها، شکل جدیدی به خود گرفت. در این میان داعش بیشترین بهره را از رسانه در جهت نیل به اهداف خود برده است و متأسفانه بررسی و تحلیل این تحرکات رسانه‌ای، با هدف مقابله با آنها، از دید بسیاری از تحلیلگران و مبارزان جبهه جنگ نرم مخفی مانده است.

ما در این پرونده به دنبال این هستیم که، به بررسی ماهیت و محتوای این تولیدات و چرایی و چگونگی استفاده آنها از رسانه در جهت تبلیغ و جذب افراد، بپردازیم.

داعش؛ از نیست تا هست!

گزارشی از فعالیت رسانه‌ای داعش از آغاز تا کنون

محمد ابراهیم نژاد

جهاد اینترنتی

گروه داعش که روزی به قدرتمندترین جریان تکفیری در جهان تبدیل شده بود، توانسته بود بخش وسیعی از مناطق سوریه و عراق را تحت سیطره خود در بیاورد و به اصطلاح خود، در این مناطق خلافتی به سبک پیامبر اکرم ایجاد کرد. داعش مدعی بود به دنبال برقراری احکام اسلامی در سرزمین‌های خود است و شیوه حکومتش نیز بر مبنای حکومت صدر اسلام است. داعش برای اثبات این ادعای دروغین توانست از ابزار رسانه بهترین استفاده را بکند و برای جذب مسلمانان اهل سنت در سراسر دنیا از رسانه استفاده می‌کرد.

تاریخ استفاده داعش از رسانه، به جنگ عراق و زمان ابومصعب الزرقاوی بازمی‌گردد. شاید اگر تجربه سال‌های گذشته داعش نبود، نمی‌توانست فیلم‌های تاثیرگذاری بسازد؛ تجربه داعش در استفاده از فضای مجازی و ساخت کلیپ، به جنگ عراق و گروه توحید و جهاد بازمی‌گردد.

ابومصعب الزرقاوی که داعش او را معمار خود معرفی می‌کرد، به مدت ۴ سال در افغانستان (۱۹۸۹-۱۹۹۳) به عنوان خبرنگار برای مجله‌ای که مقدسی مسئول آن بود فعالیت می‌کرد. شاید این شروع کار الزرقاوی با فعالیت رسانه‌ای دلیل آن باشد که او در جنگ عراق به رسانه بیش از سایر گروه‌های جهادی اهمیت می‌داد. او از ابتدا به فعالیت رسانه‌ای به عنوان یکی از جنبه‌های اصلی مبارزه نگاه می‌کرد؛ حتی در سال ۲۰۰۴ جهادی را با نام جهاد اینترنتی اعلام کرد.



۵

داعش
رسانه
خشونت

ابومصعب الزرقاوی که داعش او را معمار خود معرفی می‌کرد، به مدت ۴ سال در افغانستان (۱۹۸۹-۱۹۹۳) به عنوان خبرنگار برای مجله‌ای که مقدسی مسئول آن بود فعالیت می‌کرد. شاید این شروع کار الزرقاوی با فعالیت رسانه‌ای دلیل آن باشد که او در جنگ عراق به رسانه بیش از سایر گروه‌های جهادی اهمیت می‌داد. او از ابتدا به فعالیت رسانه‌ای به عنوان یکی از جنبه‌های اصلی مبارزه نگاه می‌کرد؛ حتی در سال ۲۰۰۴ جهادی را با نام جهاد اینترنتی اعلام کردند

البته فعالیت رسانه‌ای جماعت توحید و جهاد، در ابتدا محدود به تهیه فایل‌های صوتی سخنرانی، بیانیه‌ها، جزوه‌ها و کلیپ‌های کوتاه از جنگ‌های میدانی با نیروهای امریکایی بود. تاسیس موسسه الفرقان، بخش رسانه‌ای داعش، به زمان الزرقاوی بازمی‌گردد. اما با ملحق شدن گروه‌های افراطی دیگر به الزرقاوی و تشکیل شورای مجاهدین در سال ۲۰۰۶ موسسه الفرقان به وزارت رسانه ارتقاء پیدا کرد. با کشته شدن الزرقاوی و تشکیل دولت اسلامی عراق به رهبری ابوعمر البغدادی یکی از ۱۱ وزارت خانه‌ای که توسط این گروه افراطی اعلام شد، وزارت رسانه بود.

در این دوره موسسه الفرقان کلیپ‌های ابتدایی و غیر حرفه‌ای تولید می‌کرد. با بررسی فیلم‌های منتشر شده موسسه الفرقان

در آن دوره، که منحصر در انتشار سخنرانی‌ها، خواندن بیانیه و برخی کلیپ‌های نظامی بود، کاملاً آشکار بود که تنها هدفی که این تولیدات دنبال می‌کردند اعلام حضور در عراق و ایجاد رعب و وحشت در میان مخالفان بود. همچنین با استفاده از این فیلم‌ها خود را در عرصه میدانی به عنوان یک قدرت نظامی تاثیرگذار در عراق نشان می‌دادند.

از دیگر نتایجی که با بررسی این فیلم‌ها بدست می‌آید؛ عدم استفاده از نرم‌افزارهای پیشرفته در تدوین فیلم‌ها است. تولید فیلم‌ها با دوربین‌های غیر حرفه‌ای بوده است. همچنین به نظر می‌رسد تیم تهیه کننده فیلم‌های داعش در آن دوره بسیار محدود بوده، زیرا نحوه تولید آن‌ها معمولاً به یک شکل بوده و تفاوتی در نوع فیلمبرداری و تدوین آن‌ها مشاهده نمی‌شود.

تحول رسانه‌ای

فعالیت این رسانه تا سال ۲۰۱۳ تغییر آنچنانی نداشت و تنها اندکی بر کیفیت تولیدات آن افزوده شد. البته در این دوران شاهد تولید برخی مستندهای بلند از سوی این گروه افراطی مانند صلیل الصوارم بودیم که زمان آن تقریباً ۱ ساعت بود.

اما در سال ۲۰۱۳ و با اعلام رسمی دولت اسلامی عراق و شام (داعش) رویکرد موسسه الفرقان نیز تغییر کرد. در این دوره موسسه الاعتصام و الحیاه نیز فعالیت خود را در کنار موسسه الفرقان آغاز کردند.



۶

داعش
رسانه
خشونت

با گسترش محدوده جغرافیایی داعش در عراق و سوریه، فعالیت رسانه‌ای داعش نیز گسترش پیدا کرد. یکی از مجموعه مستندهایی که توسط موسسه الاعتصام در این دوره با هدف جذب نیرو صورت می‌گرفت؛ مجموعه کلیپ‌های "نوافذ علی ارض الملامح" بود. مدت این کلیپ‌ها کمتر از ۱۰ دقیقه و بیش از ۵۰ قسمت بود. در تولید این مجموعه کلیپ‌ها تفاوت آشکاری میان شماره‌های پایانی با شماره‌های آغازین در تدوین، فیلم‌برداری و کار حرفه‌ای وجود داشت. این مجموعه بیشتر به معرفی زندگی روزمره جنگجویان داعش و دعوت از تمامی مسلمانان جهان برای ملحق شدن به داعش می‌پرداخت و این دعوت از طریق سربازان داعشی با زبان‌های مختلف و از کشورهای مختلف صورت می‌گرفت.

به اعتراف بسیاری از کارشناسان، تولیدات داعش در این دوره با استفاده از دوربین‌های پیشرفته و نرم‌افزارهای هالیوودی صورت می‌گرفت. همچنین تیم تولید کنندگان فیلم‌های داعش نیز افزایش یافته بود. با دقت در محتوا و کیفیت تولیدات این موسسات می‌توان نتیجه گرفت هر یک از این موسسات مدیریت مستقلی داشتند. اما فیلم‌های برتر و تولیدات اصلی داعش همچنان از سوی موسسه الفرقان تولید می‌شد. گویندگی تولیدات جدید داعش بر عهده همان گوینده قدیمی بود و این نشان می‌دهد تغییرات چندانی در مدیریت این موسسه اتفاق نیفتاده؛ بلکه با گذشت زمان، بر تخصص آن‌ها افزوده شده است.



۷

داعشی
رساله
خشونت



جنگ رسانه‌ای

داعش با گذشت زمان و تثبیت موقعیت نظامی در مناطق تحت سیطره‌اش، بخصوص بعد از اعلان خلافت در ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶ق (۲۰۱۴م) به دنبال پوشش رسانه‌ای در تمام مناطق خود بود. از این رو تصمیم به تشکیل بخش رسانه‌ای در تک تک ولایت‌های خود گرفت. داعش با درک این مطلب که پیروزی در جنگ رسانه‌ای با پیروزی میدانی تفاوت چندانی ندارد و شکست در رسانه در برخی اوقات منجر به شکست میدانی می‌شود، سرمایه‌گذاری ویژه در بخش رسانه کرد. در بررسی تولیدات رسانه‌ای هر یک از ولایت‌های داعش این نتایج بدست می‌آید که مدیریت هر یک از این ولایت‌ها کاملاً مستقل صورت می‌گیرد اما به نظر می‌رسد تولیدکنندگان این فیلم‌ها آموزش واحدی کسب کرده‌اند چون شباهت‌هایی میان تولیدات این ولایت‌ها دیده می‌شود. البته تخصص هر یک از این ولایت‌ها در تولید فیلم‌ها متفاوت و کیفیت فیلم‌ها در ولایت‌های مختلف، متفاوت است. از نظر محتوایی تولیدات داعش تا سال ۲۰۱۳م بیشتر متمرکز بر کشتار و عملیات‌های نظامی بود. اما با اعلان خلافت داعش در سال ۲۰۱۴م با هدف جذب مسلمانان از سراسر دنیا، بخصوص نیروهای به اصطلاح جهادی از سایر گروه‌های تکفیری، تولید مستندهای مختلف در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی را آغاز کرد.

داعش در تولیدات فرهنگی و اجتماعی خود به کلاس‌های آموزشی کودکان و نوجوانان، تبلیغات اسلامی توسط مبلغان محلی در خیابان‌ها و امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. فیلم‌های امر به معروف و نهی از منکر داعش بیشتر به موضوع تخریب زیارتگاه‌ها، اماکن تاریخی و آثار باستانی و همچنین مبارزه با مواد مخدر و مفاسد اخلاقی اختصاص داشت. همچنین فیلم‌هایی در مورد طبیعت بهاری مناطق تحت سیطره خود، نحوه تولید آب تصفیه شده، وضعیت بهداشت و محاکم شرعی ساخته بود. در زمینه اجتماعی داعش تلاش داشت با ساخت فیلم‌ها و کلیپ‌ها این نگاه را به مخاطب القاء کند که در شهرهای تحت سیطره‌اش زندگی روال عادی خود را دارد و همه امور شهری در جریان است و تنها تفاوت این مناطق با شهرها و کشورهای دیگر که از سیطره داعش خارج است اجرای احکام شرعی و تطبیق شریعت در این مناطق است. به عنوان مثال می‌توان به فیلمی با موضوع محاکم شرعی اشاره کرد که در آن با مصاحبه از مردم در مورد رسیدگی به شکایات سوال می‌شود و همه مسلمانان و حتی مسیحیان مراجعه کننده به محاکم شرعی، از نحوه رسیدگی به شکایات اظهار خشنودی می‌کنند.

در فیلمی دیگر جان کانتلی، خبرنگار انگلیسی داعش، با تهیه گزارشی از سطح شهر موصل به دنبال القای این مطلب است که مردم روال عادی زندگی خود را دارند و بازار موصل رونق دارد و



۸

داعش
رسانه
خبر

از مجموعه‌های مستندی که با هدف جذب نیرو صورت می‌گرفت مجموعه کلیپ‌های «نوافذ علی ارض الملامح» بود. محتوای این مجموعه بیشتر به معرفی زندگی روزمره جنگجویان داعش و همچنین دعوت از تمامی مسلمانان جهان برای ملحق شدن به داعش پرداخته است. این دعوت از طریق سربازان داعشی با زبان‌های مختلف و از کشورهای مختلف صورت می‌گرفت

تلاش برای مبارزه با داعش بی‌فایده است و مردم این حکومت را پذیرفته‌اند و خواهان زندگی بر اساس قوانین این حکومت هستند. در موضوع اجتماعی می‌توان به فیلم‌های داعش در مورد وضعیت درمانی و بهداشتی نیز اشاره کرد که در آن از پزشکان مسلمان سراسر دنیا دعوت می‌شد جهت بهبود وضعیت بهداشتی در این مناطق، به داعش ملحق شوند.

رسانه‌ها و تولیدات داعش

در بخش نظامی داعش علاوه بر فیلم‌های کشت و کشتار و عملیات‌های نظامی، فیلم‌هایی در موضوع آموزش نظامی

کودکان، آموزش نظامی نیروهای ویژه داعش برای عملیات‌های چریکی و فیلم‌هایی با موضوع آموزش ساخت سلاح‌های سبک تولید کرده بود. به عنوان مثال در فیلمی یک پایگاه نظامی به تصویر کشیده می‌شود که کودکان کمتر از ۱۵ سال در آن آموزش‌های نظامی و عقیدتی می‌بینند تا نسل بعدی سربازان داعش را تشکیل دهند. مصاحبه انجام شده توسط داعش با این کودکان نشان می‌دهد که تشکیلات داعش از جهت فکری به شدت بر روی این افراد کار کرده، بطوری که هدف آن‌ها فدای جان، در راه اهداف داعش بوده است!

فیلمی مربوط به آموزش‌های چریکی نشان دهنده این مطلب است که؛ اولاً این آموزش‌ها بسیار ابتدایی بوده، ثانیاً داعش علاوه بر جنگ‌های چریکی به دنبال آموزش نیروهایش برای جنگ‌های خیابانی نیز بوده است، ثالثاً این نیروها از میان نیروهای عمومی داعش گزینش شده‌اند و قبلاً آموزش خاصی ندیده‌اند.

داعش به این مقدار فعالیت رسانه‌ای نیز اکتفاء نکرد و با راه‌اندازی «اذاعه البیان» رادیو البیان، اخبار به‌روز درگیری‌ها در ولایت‌های مختلف را به گوش مخاطبانش می‌رساند تا از این طریق بتواند انحصار اطلاع رسانی اخبار درگیری‌ها را بشکند. در همین راستا سایتی به نام «وکاله اعماق» خبرگزاری اعماق، بصورت غیر رسمی فعالیت داشت که اخبار درگیری‌ها را بصورت روزانه در اختیار مخاطبانش قرار می‌داد.

داعش برای توسعه فعالیت رسانه‌ای خود تلاش داشت شبکه ماهواره‌ای نیز راه‌اندازی کند تا تولیدات خود را از این طریق در اختیار مخاطبانش قرار دهد. البته با راه‌اندازی «شبکه الخلافه» در یوتیوب، توانست به این هدف در وسعت کوچکتر دست پیدا کند.

«موسسه اجناد» در ابتدا مسئولیت تولید سرودهای داعش را داشت و بعد به تولید قرائت‌های ترتیل سوره‌های مختلف قرآن اقدام کرد. سرود معروف «صلیل الصوارم» نیز از تولیدات همین موسسه بود. از مهمترین تولیدات رسانه‌ای داعش در آن دوره؛ صلیل الصوارم، قوافل الشهداء، جنود اشبال، آتونی زبر الحديد، كسر الحدود، ولوكره الكافرون، على منهج النبوه، شفاء الصدور (كشتن خلبان اردنی)، سیل المعارك، نیران الحرب، فرسان الشهاده، عیون الامه (در واکنش به سخنان آقای یونسی مشاور رییس جمهور وقت ایران که بغداد را پایتخت امپراطوری فارسی نامید)، فشرّد بهم من خلفهم، رسائل حیه و بسیاری از تولیدات که بدون عنوان ساخته شده بود. اما نکته بسیار مهمی که با بررسی تمام این فیلم‌ها در موضوعات مختلف به مخاطب القاء می‌شود این است که داعش به دنبال خودکفایی و استقلال در تمام امور و تکیه بر نیروی خود در تمامی زمینه‌ها بوده است.



بررسی چند فیلم مستند

مستند ولوكره الكافرون

این فیلم ۱۶ دقیقه‌ای بعد از اعلام خلافت و پیروزی‌های داعش در موصل و استان صلاح الدین ساخته شد. فیلم با آیه شریفه «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»

(صف ۸) آغاز می‌شود و در ابتدا با تصویر جهان و برآمدن نوری سفید رنگ از سرزمین خلافت و فراگیر شدن آن در سراسر جهان این معنا را دنبال می‌کند که خلافت داعش جهانگیر خواهد شد هر چند که کافران نسبت به آن کراهت داشته باشند. مقصود داعش از کافر تقریباً شامل تمامی مخالفانش می‌شود حتی سایر گروه‌های جهادی که از آنان به صحوات یا صحوات المرتده تعبیر می‌کنند. این فیلم از چهار بخش تشکیل شده؛ بخش اول به تاریخ خود گفته داعش اختصاص دارد، اهمیت این بخش از این جهت است که این اولین باری است که داعش تاریخ شکل‌گیری خود را بیان می‌کند. البته هدف اصلی‌ای که داعش در این بخش دنبال می‌کند جدا کردن خود از جریان القاعده و سایر گروه‌های تکفیری است. داعش در این بخش، تاریخ تشکیل خود را از جنگ عراق و تشکیل جماعت توحید و جهاد بدست ابومصعب الزرقاوی معرفی می‌کند. این بخش از این فیلم با شادمانی اعضای داعش از اعلام خلافت و خواندن خطبه بیعت با ابوبکر البغدادی بصورت گروهی به پایان می‌رسد. بخش دوم فیلم با سخنان البغدادی در مورد بغداد و تصرف آن بدست شیعیان آغاز می‌شود. البغدادی در این سخنان از به قدرت رسیدن شیعیان در عراق و برپایی مراسم عزاداری و سب صحابه و همسران پیامبر توسط شیعیان اعتراض می‌کند و این امور را کفرآمیز و شرک‌آلود می‌پندارد. از تصاویر جالب در این بخش که در هنگام سخنان البغدادی و اعتراض به سب صحابه و خلفا نشان داده می‌شود تصویر یاسر الحیب روحانی لندن نشین و رئیس شبکه فدک است که در راستای ایجاد درگیری‌های مذهبی تلاش فراوانی انجام می‌دهد و در امنیت کامل بسر می‌برد^۱.

بعد از سخنان البغدادی کشتار شیعیان به شکل‌های مختلف به تصویر کشیده می‌شود که هدف آن القای این مطلب به مخاطب سنی است که این داعش است که با کشتن شیعیان به دنبال حراست و حفظ عقاید اهل سنت و دفع خطر شیعیان است. در ادامه بمباران هوایی هوایمهای ارتش سوریه نشان داده می‌شود که باعث کشته شدن مردم در مناطق تحت سیطره داعش می‌شود. بخش سوم فیلم که در واقع پاسخی به بخش دوم است، ۱۸ نفر از اعضای ارتش سوریه را نشان می‌دهد که بصورت دست بسته هر یک از آنها را یکی از تروریست‌های داعش با یک چاقو همراهی می‌کند. داعش با سربریدن این افراد می‌خواهد انتقام‌گیری از شیعیان علوی را به تصویر بکشد که

۱. از تشابهات جریان تکفیری با جریان افراطی شیعه می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- تکفیر تمامی مخالفان. ۲- دوری از آموزه‌های اخلاقی و انحصار دین در جهاد از سوی تکفیری‌ها و انحصار دین در سب و لعن از سوی جریان افراطی. ۳- بی‌اعتنایی به مسأله فلسطین که مسئله اول جهان اسلام است. تکفیری‌ها به بهانه شیعه بودن برخی از فلسطینیان و ارتباط اهل سنت (حماس و نیروهای مقاومت) با ایران و همچنین عدم بیعت با خلیفه خودخوانده، اغلب فلسطینیان و بخصوص حماس را مرتد می‌دانند و حمایت از آنان را غیر شرعی اعلام کرده‌اند. جریان افراطی شیعیان نیز به بهانه سنی بودن و به تعبیر آن‌ها عمری بودن اهل سنت حمایت از مردم مظلوم فلسطین را غیر شرعی می‌دانند. ۴- تکفیر تمامی سران کشورهای اسلامی (چه شیعی و چه سنی). بارها از سوی هر دو جریان، حاکمان کشورهای اسلامی کافر و حکومت آن‌ها غیر شرعی اعلام شده است. اما نکته قابل تامل عدم اقدام عملی این جریان‌ها بر علیه دشمنان اصلی اسلام (امریکا و اسرائیل) است که دشمنی خود را هم در کلام و هم در عمل نشان داده‌اند.

از نظر محتوایی، تولیدات داعش تا سال ۲۰۱۳م و با اعلام دولت اسلامی عراق و شام بیشتر متمرکز بر کشتار و عملیات های نظامی بود. اما با اعلان خلافت داعش در سال ۲۰۱۴م با هدف جذب مسلمانان از سراسر دنیا، بخصوص نیروهای به اصطلاح جهادی از سایر گروه های تکفیری، تولید مستندهای مختلف در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و نظامی را آغاز کرد. همچنین فیلم هایی در مورد طبیعت بهاری مناطق تحت سیطره خود، نحوه تولید آب تصفیه شده، وضعیت بهداشت و محاکم شرعی ساخته بود

در بخش قبل بمباران آن ها را نشان داد. سربریدن گروهی داعش، برای اولین بار در این فیلم به تصویر کشیده شد و جلاد نقاب دار داعش، محمد اموزی، که اصلیتی کویتی و رشد یافته انگلیس است، در سخنانی خطاب به اواما و دیوید کامرون؛ امریکا و انگلیس را تهدید می کند و می گوید: الان سربازان بشار را ذبح می کنیم و در آینده سربازان شما را! این جمله بیان کننده استراتژی داعش است که یکی از اختلافات اساسی میان داعشی ها با سایر گروه های به اصطلاح جهادی است. دشمن قریب و دشمن بعید اختلافی است که منشأ آن کتب سید قطب و مودودی است. داعشی ها بر خلاف القاعده، اولویت جهاد را با دشمن قریب می دانند؛ یعنی مبارزه با حاکمان کشورهای اسلامی و متحدان آن ها. داعش معتقد

است ابتدا باید سران فاسق کشورهای اسلامی را سرنگون کرد و سپس به مبارزه با امریکا و اسرائیل پرداخت. اما القاعده که بن لادن چهره شاخص و موسس آن است معتقد است که ابتدا باید با امریکا و اسرائیل وارد جنگ شد، پیروان بن لادن نیز بر همین عقیده بوده و هستند. بخش چهارم و پایانی این فیلم به بیعت گروه های مختلف در کشورهای مختلف اسلامی با ابوبکر البغدادی و بحثی در مورد جنگ آخرالزمان در دابق اختصاص یافته است. داعش با نشان دادن بیعت گروه های مختلف در نقاط مختلف کشورهای اسلامی به دنبال بزرگنمایی وسعت خلافت در تمامی کشورهای اسلامی است.

در ادامه فیلم جلاد داعش در حالی به تصویر کشیده شده است که سر جدا شده پیترا دوارد کاسیگ، سرباز امریکایی، در میان دوپای او قرار دارد. محل فیلمبرداری این تصاویر به ادعای داعش دابق نام دارد. دابق نام سرزمینی است که در برخی از روایات از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان سرزمینی معرفی شده است که جنگ میان مسلمانان خالص با صلیبی ها در آخرالزمان در آن اتفاق خواهد افتاد و در نهایت مسلمانان پیروز خواهند شد و بواسطه این پیروزی اسلام در سراسر دنیا گسترش خواهد یافت! نگاه آخرالزمانی داعش به سخنان الزرقاوی بازمی گردد، آنجا که در مصاحبه با موسسه الفرقان،



۱۲

داعشی
رساله
عشووت

۲.۱. عن الرسول محمد (صلى الله عليه وسلم) قوله: "لا تقوم الساعة حتى ينزل الروم بالأعماق أو بدابق، فيخرج إليهم جيش من المدينة (دمشق) من خيار أهل الأرض يومئذ، فإذا تصافوا، قالت الروم: خلوا بيننا وبين الذين سبوا منا نقاتلهم، فيقول المسلمون: لا والله لا نخلى بينكم وبين إخواننا، فيقاتلونهم فيهزم ثلث لا يتوب الله عليهم أبدا (أى لا يلهمهم الله التوبة)، ويُقتل ثلث هم أفضل الشهداء عند الله، ويفتتح الثلث، لا يفتنون أبدا، فيفتتحون قسطنطينية". (صحيح مسلم)

حمله آمریکا را جنگ آرماگدون و جنگ آخرالزمانی معرفی می‌کند. سرزمین دابق نیز به عنوان محل جنگ داعش با نیروهای صلیبی (امریکایی) معرفی می‌شود. جلال داعش در این فیلم می‌گوید: ما اولین نیروی صلیبی را در اینجا دفن می‌کنیم تا در نهایت ارتش صلیبیان را در دابق نابود کنیم. سخنان ابومصعب الزرقاوی را یادآوری می‌کند که گفته است: این آتشی است که در عراق برافروخته شده و به خواست خداوند شعله‌های آن بزرگتر خواهد شد^۱ تا اینکه ارتش صلیبیان را در دابق بسوزاند. در واقع داعش این هدف را دنبال می‌کرد تا به مخاطب خود این مفهوم را القاء کند که تشکیلات داعش و خلافتش همان دولت آخرالزمانی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وعده آن را داده است. براساس مطالبی که داعش منتشر می‌کرد، مدعی بود حضرت عیسی علیه السلام هم بر داعش نزول خواهد کرد. بنابراین تمامی مسلمانان باید با آن‌ها بیعت کنند و تنها راه نجات و صراط مستقیم خلافت داعش و هر راهی غیر از آن، گمراهی و ضلالت است.

مستند علی منهاج النبوه

محور اصلی این مستند حمله به سامرا و اشغال این شهر بعد از اعلان خلافت توسط داعش است. این مستند از چند بخش تشکیل شده است که ارتباط کمی با هم دارند. محتوای این مستند علاوه بر حمله به سامرا، شامل کشتار شیعیان، تخریب اماکن مقدس شیعیان، بیعت گروه‌های مختلف با خلیفه خودخوانده داعش و عملیات انتحاری یکی از اعضای داعش است.

ابتدای این فیلم، با رژه داعش به همراه سلاح‌های پیشرفته در خیابان‌های سامرا آغاز می‌شود و بعد از آن تجمع مردم برای بیعت دسته جمعی با داعش بعد از اشغال سامرا است که با یک فلاش‌بک به چند ساعت قبل از حمله سامرا بازمی‌گردد و سخنان تحریک‌آمیز یکی از فرماندهان داعش برای سربازانش را پخش می‌کند. در این سخنان سامرا هدف عملیات معرفی می‌شود که تا آن زمان به دلایل امنیتی از نظامیان داعشی مخفی مانده بود. فرمانده داعش، سامراء را پایتخت شرک در مناطق اهل سنت معرفی می‌کند و عزت مسلمانان را تنها در جهاد و شمشیر و قدرت معرفی می‌کند^۲. در ادامه آغاز عملیات در ساعت ۱۲ شب و گسیل نیروهای داعش به سمت سامراء را نشان می‌دهد و اینکه عملیات تا قبل از ظهر به پیروزی داعش منتهی می‌شود. با تسلط داعش

۱. مقصود گسترش جنگ به کشورهای دیگر است.

۲. جا دارد به این نکته اشاره شود که یکی از آموزه‌ها و شعارهای اصلی داعش سخن ابن تیمیه است که می‌گوید: قوام الدین بکتاب یدهدی و سیف ینصر که تمرکز و عملکرد داعش نشان می‌دهد که این گروه تنها بخش دوم این شعار، یعنی قوام دین از راه شمشیر را بر اساس اجتهادات شخصی عمل می‌کرده. در سخنرانی‌ها و فیلم‌های مختلف داعش بارها بر فتوحات عمری تاکید شده و اینکه دین پیامبر با شمشیر آمد و تنها راه عزت مسلمانان شمشیر است.

بر شهر، عده‌ای از مردم را نشان می‌دهد که با خوشحالی نیروهای داعش را در آغوش می‌کشند و با تسلط کامل بر سامراء راهپیمایی مردم سامرا و بزرگان عشایر این مناطق را نشان می‌دهد که در تایید داعش به خیابان‌ها آمده‌اند.

اما هدفی که این بخش از مستند دنبال می‌کند اثبات شجاعت و اقتدار نیروهای داعش و ضعف ارتش و بخصوص شیعیان عراق است و اینکه اهل سنت خواهان داعش هستند و در واقع عملیات‌های داعش برای عزت و اقتدار اهل سنت است. داعش در این مستند به دنبال اثبات این مطلب است که خود را به عنوان خون‌خواه و نماینده اهل سنت عراق معرفی کند که در دشمنی با دولت عراق به دنبال احقاق حق از دست رفته اهل سنت است.



در بخش بعد که تخریب اماکن مقدس شیعیان اعم از حسینیه، بارگاه امامزادگان و مساجد شیعه است؛ با نقل روایاتی از ابن قیم جوزی که شاگرد مکتب فکری ابن تیمیه است به ادعای خود، شرک‌آلود بودن شعائر دینی شیعیان مانند بنای ضریح، گنبد، بارگاه، کشیدن تمثال بزرگان دین و دیگر اعتقادات شیعیان را اثبات و عمل وحشیانه تخریب اماکن مقدس را توجیه می‌کند. هدف از این اقدام در مستند برپایی توحید و نابودی شرک معرفی می‌شود.

در سخنانی که یکی از فرماندهان داعش برای تازه ملحق شدن ارائه می‌کند بر شعار «قوام الدین بکتاب یهدی و سیف ینصر» تاکید شده و شیوه حکومتی داعش را خلافتی به سبک خلافت پیامبر اکرم و تمامی اشکال حکومت‌داری را شرک و کفر معرفی می‌کند که اعتقاد به آن شیوه‌ها و کنار گذاشتن شیوه حکومتی داعش موجب کفر شخص می‌شود، هر چند از اهل سنت باشد.

بخش‌های بعدی فیلم به عملیات انتحاری یک داعشی و بیعت گروهی از اعضای انصارالاسلام با داعش اختصاص دارد و در پایان کشتار وحشیانه ۱۷۰۰ نفر از جوانان شیعه در اسپایکر را نشان می‌دهد. اما نکته بسیار تامل برانگیز در کشتار اسپایکر، معرفی این اقدام از سوی قاتلین، به عنوان خون‌خواهی امهات مومنین و بخصوص عایشه از شیعیان است. در بخشی از تصاویر یکی از قاتلان که تیر خلاص به سر جوانان می‌زد، این جمله را فریاد می‌زد که امروز، روز ام المومنین عایشه است. این بخش از فیلم هشدار می‌دهد که برای تمامی مسلمانان و بخصوص شیعیان، شیعیانی که تمام دین آن‌ها اهانت به مقدسات اهل سنت و سایر مذاهب اسلامی است که با این کار هیزم فتنه اختلافات مذهبی را شعله‌ور می‌کنند و خودشان در بلاد کفر با خیال آسوده و در امنیت نشسته و تنها خون جوانان بی‌گناه را به هدر می‌دهند. از سوی دیگر هشدار می‌دهد که تکفیری‌ها و حامیان آنان به دنبال برافروختن این اختلاف به سود خود هستند. آن‌ها با انتساب اهانت‌های برخی شیعیان غافل و گمراه به تمامی شیعیان، به دنبال ایجاد جنگ شیعه و سنی در منطقه هستند. تمامی مسلمانان اعم از شیعه و سنی باید آگاه باشند که این جنگ مذهبی تنها موجب تضعیف قدرت اسلام در برابر جبهه کفر و صهیونیسم خواهد شد و هیچ‌کس بجز رژیم صهیونیستی و آمریکا از این جنگ مذهبی منفعت اقتصادی و سیاسی نمی‌برد.

خلاصه این مستند از یک سو فیلمی ضد شیعی و با هدف تحقیر و تضعیف شیعیان و مشرک معرفی کردن آنان و از سوی دیگر به دنبال نشان دادن قدرت داعش و استقبال اهل سنت از داعش بوده است و خواهان ملحق شدن گروه‌های مختلف اهل سنت به این گروه بوده است.

مستند شفاء الصدور

موضوع این مستند آتش زدن خلبان اردنی معاذ الکساسبه و اعترافات اوست. داعش در این مستند، چند هدف را دنبال می‌کرد. اول اثبات کفر حاکمان کشورهای عربی به خصوص ملک عبدالله پادشاه اردن، به دلیل هم‌پیمانی با صلیبیان (امریکا و کشورهای غربی). دوم توجیه آتش زدن خلبان اردنی به دلیل قصاص مسلمانانی که بخاطر بمباران این خلبان در آتش سوخته‌اند. سوم اثبات قدرت نظامی داعش و ایجاد رعب در دل مخالفان و ارتش کشورهای عربی برای ترک صحنه جنگ بر علیه داعش.

اما داعش برای اثبات ادعای اول خود، به همکاری کامل اردن با نیروهای صلیبی در جنگ افغانستان و عراق اشاره می‌کند. همکاری نظامی حاکمان اردن با آمریکا در جنگ عراق و همچنین جنگ سوریه یکی از دلایل ارتداد این حاکمان است. از نظر داعش یکی از کشورهایایی که جنگ



نیابتی از سوی آمریکا و اسرائیل بر علیه گروه‌های به اصطلاح جهادی انجام می‌داده، اردن بوده است. گوینده فیلم همچنین اردن را بدون ذکر نام اسرائیل، متحد دولت یهودی می‌خواند و این کشور را دشمن مسلمانان معرفی می‌کند.

دلیل دیگر داعش برای ارتداد، قوانین و شکل حکومتی در این کشورها است. از نظر داعش این کشورها و بخصوص اردن چون ساختار حکومتی خود را از غرب گرفته‌اند و شریعت اسلامی را کنار گذاشته و بر اساس قوانین غربی کشور را اداره می‌کنند، مرتد هستند و کشتن آن‌ها واجب است. داعش همچنین به اعترافات الکساسبه مبنی بر رهبری حملات هوایی توسط آمریکا استناد می‌کند که اتاق عملیات این حملات در قطر و زیر نظر آمریکا است و بسیاری از کشورهای عربی رهبری آمریکا را در جنگ با داعش، که به اصطلاح خودشان اهل توحید هستند، پذیرفته‌اند و لذا از اسلام خارج شده‌اند.

اما داعش برای توجیه آتش زدن این خلبان ابتدا سخنی را از پادشاه اردن نقل می‌کند که تمامی این خلبانان بصورت کاملاً اختیاری در این جنگ شرکت کرده‌اند. سپس با پخش اعترافات معاذ الکساسبه مبنی بر بمباران شهرها و مناطق تحت سیطره داعش و اشاره به جزئیات عملیات او را عامل کشته شدن کودکان و مردم در شهر رقه و دیگر مناطق معرفی می‌کند. در این بخش با پخش تصاویر کشته شدن کودکان زیر بمباران هوایی هواپیماهای ائتلاف به دنبال اثبات مظلومیت خود است. این تصاویر که به شکل کاملاً حرفه‌ای و با استفاده از نرم‌افزارهای پیشرفته تدوین شده است مخاطب را به هم‌دردی با داعش فرا می‌خواند. در واقع اعترافات خلبان اردنی به همراه این تصاویر این هدف را دنبال می‌کند که مخاطب خودش خواهان قصاص این خلبان باشد. در نهایت داعش برای اجرای قصاص معاذ الکساسبه را به مناطقی که بمباران کرده می‌آورد و با فلاش بک تصاویر بمباران‌های هوایی و تخریب خانه‌ها، تداعی کننده عذاب وجدان خلبان از بمباران این مناطق است. در پایان فیلم داعش با استفاده از اطلاعاتی که از طریق این خلبان کسب کرده اسامی و محل سکونت تمامی خلبانانی که در بمباران هوایی مناطق داعش مشارکت داشته‌اند را منتشر می‌کند و برای کشتن هر کدام ۱۰۰ دینار داعشی به عنوان جایزه تعیین می‌کند و از تمامی مسلمانان می‌خواهد تا برای یاری داعش اقدام به این عمل کنند.



خشونت؛ یک برند جذاب؟!

واکاوی وجود عنصر خشونت در محصولات رسانه‌ای داعش

گفتگو با دکتر صفاری‌نیا



۱۷

داعشی
رساله
خشونت

آیا خشونت ذات انسان است یا محصول یک رشته فرآیند اجتماعی است و انسان‌ها در جوامع مختلف ناگزیر به آن متوسل می‌شوند؟

یکی از رویکردها به خشونت این است که خشونت جنبه ارثی دارد. این یک رویکرد است و نمی‌خواهیم بگوییم صددرصد صحیح است. اما وقتی مطالعه می‌کنید، مثلاً می‌بینید که خشونت با جنس در ارتباط است و جنس مرد به واسطه ترشح تستسترون خشن‌تر است و رفتارهای خشن‌تری نسبت به خانم‌ها دارد. بنابراین یک نگاه این است که خشونت می‌تواند بار ارثی داشته باشد. اما عوامل اجتماعی و یادگیری هم در افزایش یا کاهش خشونت بسیار موثرند. پس گاهی، فضا انسان را ترغیب می‌کند که رفتارهای خشونت‌آمیز داشته باشد یا انسان خشن اگر در شرایط مطلوب اجتماعی قرار بگیرد خشونت او کنترل می‌شود.

آیا خشونت در دوره‌های مختلف تاریخی تغییر ماهیت داده است، مثلاً در دوره پیشامدرن خشونت ماهیت فیزیکی داشته و... ماهیت امروز خشونت چیست؟

خشونت در طول تاریخ تغییر شکل داده است. پاسخ جنگ‌وگریز یک جور پاسخ هیجانی است که در واقع انسان به واسطه اجدادش، این جنس رفتار را به ارث گرفته است. یک زمانی انسان‌ها برای حفظ جانشان شکار می‌کردند یا به صورت جمعی مقابله و جنگ می‌کردند؛ اما امروز خشونت به این صورت نیست و جنس این خشونت تغییر کرده و در ابعاد دیگر ممکن است خودش را

گاهی یک ایدئولوژی و یک مجموعه دیکتاتوری در جهت منافعشان از رسانه استفاده می‌کنند. در واقع بنظر آنها با این استراتژی، هیجان و ترس در مردم ایجاد می‌گردند. از فیلم‌هایشان استفاده می‌کردند تا هیجان و وحشت را در مردم و در مبارزین طرف مقابل ایجاد کنند، تا آنها سنگر را خالی کنند

نشان دهد. در رویکرد وراثتی می‌گویند دیدن خشونت برای انسان ایجاد پالایش می‌کند. مثلاً وقتی یک فیلم خشن یا رفتار خشونت‌آمیز را می‌بیند از خشونت او کاسته می‌شود چون فرد با دیدن آن فیلم تخلیه می‌شود و آن فیلم خشن حس هیجان او را کمتر می‌کند.

البته خیلی وقت‌ها دیدن آن مدل‌های خشونت‌آمیز، به ایجاد خشونت تبدیل می‌شود. در یک مطالعه، وقتی بچه‌ها در معرض رفتار خشن قرار می‌گرفتند و الگوهای خشن می‌دیدند، آنها هم شروع به پرخاشگری می‌کردند و میزان پرخاشگری

بچه‌ها بیشتر از حد عادی می‌شد. مثلاً الگویی که به یک عروسک پرخاشگری می‌کرد و الگویی که یک عروسک را ناز می‌کرد. وقتی این دو گروه را با هم قیاس کردیم، افراد وقتی مدل خشونت به عروسک را می‌دیدند میزان پرخاشگریشان بالاتر می‌رفت.

البته در بحث پرخاشگری عوامل مختلفی وجود دارد. بعنوان مثال؛ مفهومی تحت عنوان درد و پرخاشگری وجود دارد. میزان پرخاشگری آدم‌هایی که تحت فشار و درد هستند، معمولاً بیشتر است. این پرخاشگری ممکن است جنبه بیرونی پیدا کند، مثلاً فرد در بازی فوتبال طرف مقابل را هل می‌دهد یا با خشونت و پرخاشگری رانندگی می‌کند، فحاشی می‌کند یا دیگران را آزار می‌دهد و... یا جنبه درونی پیدا کند مثلاً فرد خودش را آزار می‌دهد یا خودش را تحقیر می‌کند و... حتی امکان دارد این جنبه درونی منتهی به افسردگی شود.

در دوران فاشیست، نظام‌های فاشیستی با وارد کردن بحث زیبایی‌شناسی، مانند همان چیزی که در رژه‌ها می‌بینیم، بدن‌بال ترویج و تحکیم خودشان بودند. آیا با همین نگاه می‌توانیم بحث زیبایی‌شناسی را وارد خشونت کنیم و بگوییم خشونت جنبه‌های زیبایی‌شناسی هم دارد و جذاب است؟

بستگی دارد مخاطب سالم باشد یا نه! مخاطبی که از سلامت روان برخوردار است، خشونت را به عنوان جذابیت نمی‌بیند. البته متغیر هیجان‌خواهی در افراد مختلف امکان دارد متفاوت باشد. مثلاً میزان هیجان‌خواهی یک آدم که با طناب از کوه پایین می‌پرد قطعاً از امثال بنده که ده سال است کوه نرفته، خیلی بیشتر است. ما نمی‌گوییم تمام کسانی که هیجان‌خواه هستند مشکل روانی دارند، بسیاری هستند که سلامت روان دارند و هیجان‌خواه هستند. ممکن است یک

دو گروه جذب اینها می شدند: گروهی که به لحاظ روانی سالم نبودند و جذب خشونت آنها می شدند و خشونت برایشان جذاب بود و دیگر کسانی که به لحاظ ایدئولوژی به آن دسته یا گروه خاص که خشونت درون مایه آنهاست، نزدیک بودند؛ برخلاف آنچه در افکار عمومی رایج است، که فکر می کنند خشونت چیز بد و منفوری است، آنها جذب می شدند

فیلم خشن را به فردی که هیجان خواه است نشان دهید، چون میزان هیجان خواهی او بالاست، هیچ اتفاقی نیفتد و این یک رویکرد است.

یک رویکرد دیگر هم داریم که می گوید: اگر یک فیلم هیجان خواه، یک رویداد و فیلم پر خاشگرانه را به یکسری آدم‌ها نشان دهید، نمایش فیلم یک دهلیز برای آن آدمی است که ماه‌ها تحت استرس و فشار بوده و پر خاشگری در او انباشته شده، دیدن این فیلم بار پر خاشگری او را کم و او را تخلیه می کند. اما به نظر می رسد کسانی که جنبه‌های زیبایی شناسی خشونت را طراحی می کنند و کسانی که به جنبه‌های زیبایی شناسی خشونت علاقه مند هستند، آدم‌های طبیعی نیستند.



در موسیقی و فیلم و شعر هم نوع کثیف و خشن وجود دارد و گاهی یک ایدئولوژی یا یک مجموعه دیکتاتوری در جهت منافعشان از خشونت استفاده می کنند. در واقع آنها از استراتژی هیجان و ترس استفاده می کنند. مثلاً داعش بوسیله فیلم‌هایی که می ساخت در مردم یا مبارزین

داعش دنبال نوعی برند سازی هم بود. برای آن افرادی که جذب می‌شدند هم این گروه ایجاد تشخص می‌کرده. با توجه به اینکه این گروهی نیست که مشخصا از یک جا بلند شده باشد، یک گروهی بوده که ایدئولوژی و شعار مشترک داشتند. مشکلی هم نداشتند که در رسانه‌ها مطرح شود که خشونت طلب هستند. اینها برای خود برند و معروف بودند و این نیز در جذب مخاطب تاثیر داشته و بسیاری افراد با این گروه احساس هویت می‌کردند

هیجان و ترس ایجاد می‌کرد طوری که اگر می‌شنیدند داعش به چند کیلومتری شهر رسیده از ترس، شهر و سنگرها را تخلیه می‌کردند و تحویل می‌دادند.

کنار واژه خشونت، می‌شود ترس را قرار داد! آنها از این فیلم‌ها و ابزار استفاده می‌کردند که خودشان را آدم‌های خشنی نشان دهند تا ترس را در گروه مقابل ایجاد کنند. مثلا جایی را در دست داشتند و می‌خواستند جای دیگر را بگیرند؛ وقتی راه می‌افتادند، با پخش فیلم‌های خشن، خوف و فریبی در طرف مقابل ایجاد می‌کردند که این جزء تکنیک‌های عملیات روانی است. این عملیات روانی شدت تعارضات بین گروه‌های درگیر را بالا می‌برد و با وحشتی که

ایجاد می‌کرد باعث می‌شد مردم از خوف خیلی راحت‌تر شانه خالی کنند و راحت‌تر مواضعشان را تحویل دهند و تسلیم شوند.



۲۰

داعشی
رساله
خشونت

با ساخت فیلم‌ها و کلیپ‌های خشن چطور مخاطب جذب می‌کنند؟

خشونت دسته‌ای از افراد را جذب می‌کند، که این افراد از نظر ما دچار مشکلات شخصیتی هستند. به طور مثال فرد از اروپا زندگیش را رها می‌کرد و به سوریه یا عراق می‌رفت، برای جنگیدن! این فرد، یا دنبال هیجان طلبی بوده یا یک اسلام‌گرای افراطی است و به لحاظ ایدئولوژی خاص مذهبی خودش جذب خشونت داعش می‌شد. یعنی دو گروه جذب می‌شدند: گروهی که به لحاظ روانی سالم نبودند و جذب خشونت آنها می‌شدند و خشونت برایشان جذاب بود. دیگر کسانی که به لحاظ ایدئولوژی به آن دسته یا گروه خاص که خشونت درون‌مایه آنهاست، نزدیک بودند. برخلاف آنچه در افکار عمومی رایج است، که فکر می‌کنند، خشونت چیز بد و منفور است، آنها جذب می‌شوند.

پس به نظر شما به عنوان یک روان‌شناس، دیدن این دست فیلم‌های خشونت بار، توسط مخاطب عام به مرور می‌تواند عادی شود و تاثیر بگذارد و مخاطب عام را به مخاطب خاص تبدیل کند؟

بله دقیقا همینطور است.

داعش در ابتدا، در مستنداتی که از خود تکثیر می کرد و روی سایت های معروفش مثل شوموخ الاسلام و... خود را خشونت طلب اعلام می کرد، این اعلام فقط بخاطر بحث ایجاد ترس وحشت بوده است؟

اینها نیاز به مطالعه دارد، شاید دنبال نوعی برند سازی هم بودند. برای آن افرادی که جذب می شدند هم این گروه ایجاد تشخص می کرد. با توجه به اینکه این گروهی نیست که مشخصا از یک جا بلند شده باشد، یک گروهی بوده که ایدئولوژی و شعار مشترک داشتند. مشکلی هم نداشتند که در رسانه ها مطرح شود که خشونت طلب هستند. اینها برای خود برند و معروف بودند و این نیز در جذب مخاطب تاثیر داشته و بسیاری افراد با این گروه احساس هویت می کردند.

المان ها و نمادهایی که در فیلم های آنها می بینیم، مثل اینکه یکدست مشکی می پوشیدند، سر آدمها را در سوریه و عراق می بریدند (حتی در برخی از فیلم ها خودشان نشان می دادند که با سرهای بریده انسان ها فوتبال بازی می کردند) یا اینکه خبرنگار رسمی کشوری را دستگیر می کردند، می کشتند و از آن فیلم می ساختند و بلافاصله بر روی شبکه های توئیتر، فیسبوک و شبکه های رسمی شان می گذاشتند و... قطعاً تعمداً در کار بود که اعلام کنند خشونت طلبند. شعار و ایدئولوژی اینها خشونت بود و این شعار برای یکسری افراد که اختلال شخصیتی داشتند تشخص ایجاد کرد. این آدمها کم نبوده نیستند و از هر جایی ممکن است جذب شده باشند.

آیا پخش این خشونت ها بر روی اعمال قدرتشان تاثیر گذار بوده است؟

کار را برایشان راحت می کرده، آدم کشتن و سربریدن را برایشان راحت تر می کرده! وقتی کسی به این گروه می پیوست، گروه غیر خودی را سر می بریدند، عبارتی متعهدشان می کردند. در یکسری از فیلم های ایرانی و خارجی، خصوصاً قدیمی تر، می بینیم وقتی کسی وارد یک باند خشن می شود به او مسئولیت می دهند که اول فلانی را بکش بعد به ما متعهد می شوی! وقتی متعهد می شود جنس رفتارش با آنها هم شکل می شود، بعد یک حلقه از یک زنجیر می شود و اصلاً احساس بدی ندارد از اینکه چنین آدمی است. می تواند با یک سر بریده بازی کند و توجیه می شود و نگرشش به سمتی می رود که گروه می خواهد.



داعش در رسانه

درباره‌ی ظرفیت‌ها و اهداف رسانه‌ای داعش

محمد رضا عشوری مقدم^۱

پیشینه رسانه سلفی جهادی

گروه‌ها و طیف‌های مختلف اسلام‌گرای موسوم به جریان «سلفی جهادی» همواره از رسانه برای ابلاغ پیام خود استفاده می‌کردند. با این حال، عملکرد گروه داعش یا «دولت اسلامی» در استفاده از رسانه‌ها در مقایسه با دیگر گروه‌های مشابه خود، متفاوت بوده است. به نظر می‌رسد علت عمده این تفاوت را باید در روند تطور تاریخی پیشرفت و توسعه رسانه جستجو کرد. در بازگشتی گذرا به گذار تاریخی این پدیده، نخستین بارقه‌های جدی استفاده از رسانه توسط گروه‌های سلفی جهادی را می‌توان در دهه هشتاد میلادی و در دوره فعالیت گروه‌های موسوم به «افغان العرب» مشاهده کرد. در این دوره هنوز از رسانه‌های سنتی به منظور انتقال پیام استفاده می‌شد. شاید بتوان اقدام شیخ عبدالله عزام (د ۱۹۸۹) در انتشار مجله «رسالة الجهاد» را نخستین گام در این عرصه معرفی کرد. نشریه‌ای که به صورت ماهانه به آخرین تحولات گروه‌های «جهادی» در نقاط مختلف جهان، به ویژه در افغانستان، می‌پرداخت. پس از آن نیز می‌توان به هفته‌نامه خبری «لهیب المعركة» اشاره کرد که با نظارت عبدالله عزام، نشر و تبلیغ اندیشه‌های جهادی در میان افکار عمومی افغانستان و پاکستان را در دستور کار خود قرار داده بود. فعالیت رسانه‌ای جریان «عزام» در افغانستان روندی رو به جلو داشت اما با این حال این جریان



۲۲

داعش
رسانه
مختص

۱. کارشناس و پژوهشگر مسائل گروه‌های اسلامی

نخستین بارقه‌های جدی استفاده از رسانه توسط گروه‌های سلفی جهادی را می‌توان در دهه هشتاد میلادی و در دوره فعالیت گروه‌های موسوم به «افغان العرب» مشاهده کرد. می‌توان اقدام شیخ عبدالله عزام (د ۱۹۸۹) در انتشار مجله «رسالة الجهاد» را نخستین گام در این عرصه معرفی کرد

رسانه‌ای از ۱۹۸۸ و همزمان با آغاز فعالیت گروه القاعده وارد مرحله جدیدی شد. با پایان حضور نیروهای نظامی شوروی در افغانستان، اختلافات میان رهبران جریان عزام و القاعده به رهبری «اسامه بن لادن» بالا گرفت. این اختلاف سرانجام به شکل‌گیری جریان موسوم به «جبهه جهانی جنگ علیه صلیبی‌ها» که در واقع گفتمانی عمدتاً ضد غربی ارائه می‌کرد، انجامید. نقطه تمایز جریان رسانه‌ای جدید، استفاده از شبکه جهانی اینترنت بود. گروه تازه تاسیس القاعده با استقبال از فناوری جدید، چندین پایگاه اینترنتی تأسیس کرد. از آن

جمله می‌توان به سایت اینترنتی «نداء»، «معالم» و «عزام» اشاره کرد. با افزایش فعالیت پایگاه‌های اینترنتی القاعده، برخی گزارش‌ها حاکی از آن بود که تعداد این پایگاه‌ها در برهه‌ای حتی به ۸ هزار عدد نیز رسیده بود.

با توسعه جریان رسانه‌ای القاعده، این گروه تلاش کرد با تاسیس «مراکز رسانه‌ای»، فعالیت خود را بیش از پیش و به صورتی سازمان یافته گسترش دهد. مرکز رسانه‌ای «فجر» و همچنین موسسه «سحاب» از جمله این مراکز بودند. عمده فعالیت این مراکز بر تولید کلیپ‌های ویدئویی حامل پیام رهبران القاعده و طالبان متمرکز بود. این رویکرد رسانه‌ای تا سال ۲۰۰۹ ادامه داشت و روز به روز نیز بر کیفیت آن افزوده می‌شد.



۲۳

دانش
رسالة
عشقت



با آغاز فعالیت گروه «توحید و جهاد» به زعامت «ابومصعب الزرقاوی» در عراق، فعالیت موسسات رسانه‌ای به ویژه از سال ۲۰۰۴ به بعد وارد مرحله جدیدی شد. با این حال از سال ۲۰۰۶ و اعلان گروه «دولت اسلامی عراق» توسط «ابوعمر البغدادی» فعالیت رسانه‌ای این مؤسسات، منسجم‌تر از همیشه شد که پیشگام آن‌ها، مرکز رسانه‌ای «فرقان» بود. برخلاف گذشته که تمرکز اصلی بر روی تولید و انتشار کلیپ‌های ویدئویی و پیام‌های صوتی بود، مؤسسه «فرقان» بیش از همه به شبکه‌های اجتماعی اینترنتی همانند توئیتر و فیس‌بوک متکی بود.

ارتقاء و تکثیر رسانه‌ای داعش

با اوج‌گیری فعالیت شاخه «ابوبکر البغدادی» و سیطره گروه «دولت اسلامی» یا داعش بر شهر موصل عراق، شاهد شکل‌گیری نسل جدیدی از رسانه‌های سلفی جهادی بودیم که این بار بسیار سازمان‌یافته‌تر از گذشته عمل می‌کردند. فعالیت ده‌ها موسسه حرفه‌ای رسانه‌ای، از جمله موسسه «فرقان»، «اعتصام»، «خبرگزاری اعماق» و نشریه «دابق» از شاخص‌ترین ویژگی‌های این جریان رسانه‌ای بود. جریان جدید بر یک مرکز بسیار فعال استوار بود که تولیدات گسترده‌ای به زبان‌های مختلف داشت و در تمامی ولایت‌های تابع داعش فعالیت می‌کرد. مرکز رسانه‌ای داعش همچنین از استعداد بسیاری برای تولید کارهای ویدئویی و مستند برخوردار بود که از آن جمله می‌توان به مستندگونه «صلیل الصوارم» اشاره کرد.

گروه سلفی داعش علی‌رغم ظاهر نظامی‌اش، همواره ماهیتی ایدئولوژیک داشته است. بر این اساس، محتوای رسانه‌ای این گروه نیز عمدتاً مبتنی بر رسالتی ایدئولوژیک بر پایه مؤلفه‌های هویتی «سلفی جهادی» استوار بود که همواره بر الگوی تقابلی شیعی-سنی تأکید داشته است. در این چارچوب، گفتمان تبلیغی گروه بر این پایه بوده که جریان شیعی به پشتیبانی ایران بر روند سیاسی منطقه سیطره یافته و تنها جریان «سلفی جهادی» است که نجات بخش اهل سنت منطقه خواهد بود. بر این اساس، گروه داعش همواره خود را به عنوان تنها نماینده و حامی هویت سنی منطقه معرفی می‌کرد و به نظر می‌رسد که در این رویکرد خود موفقیت‌هایی نیز کسب کرد، به ویژه آنکه در تصرف شهر موصل، این سیاست رسانه‌ای، نقش بسیار بارزی ایفا کرد.

سیاست رسانه‌ای داعش

بخش دیگر سیاست رسانه‌ای داعش مبتنی بر «تبلیغات دینی» بود. این سیاست که بیش از همه تحت تأثیر «هیئت‌های شرعی» داعش بود، به دنبال ارائه خوانشی سلف‌گرایانه از اسلام، با



۲۴

داعشی
رسانه
مهرشهرت

گروه سلفی داعش علی‌رغم ظاهر نظامی‌اش، همواره ماهیتی ایدئولوژیک داشته است. بر این اساس، محتوای رسانه‌ای این گروه نیز عمدتاً مبتنی بر رسالتی ایدئولوژیک بر پایه مؤلفه‌های هویتی «سلفی جهادی» استوار بود که همواره بر الگوی تقابلی شیعی-سنی تأکید داشته است

تاکید بر دو مؤلفه «شریعت» و «جهاد»، به مخاطب مسلمان خود بوده است. در بُعد کلان اما محوریت با گفتمان «خلافت» و دولت خلافت بود که تمامی مؤلفه‌های دولت، مشروعیت، امت، جهاد و تکفیر ذیل آن تعریف می‌شد.

با این حال، این سیاست رسانه‌ای هیچگاه در جهت پاسخ به منتقدان خود نبوده است. از این رو رسانه داعش همواره اصرار داشته که بیش از همه، بتواند بیشترین عضو را برای این گروه جذب کند. تا جایی که شاهد بودیم در مدت کوتاهی بیش از ۱۵ هزار نفر از کشورهای مختلف به داعش پیوستند.

بخش دیگری از سیاست رسانه‌ای داعش، مبتنی بر ارائه تصویری خشن و متوحشانه از این گروه بوده است که بیش از همه از آموزه‌های «ابوبکر ناجی» در کتاب «مدیریت توحش» متأثر بود. اینکه بارها از سوی بنگاه رسانه‌ای داعش کلیپ‌هایی از سر بردن‌ها و صحنه‌های هولناک کشتار مخالفان منتشر می‌شد، همانند کشتار وحشیانه «اسپایکر»، جز ارسال پیام وحشیگری و القای ترس به مخالفان، هدف دیگری نمی‌توانست داشته باشد.



گروه داعش در سیاست رسانه‌ای خود تلاش می‌کرد تا تصویری، آنچنان که خود می‌خواست و نه آنگونه که دیگران می‌خواستند، به مخاطب ارائه دهد. در مواردی هدف آن بود تا به مخاطب بگوید که مخالفان در ادعاهایشان دروغ می‌گویند و در مواردی نیز سعی داشت تا با تبلیغات وسیع، شکست‌های خود در میدان نبرد را به گونه‌ای جبران نماید. پوشش رسانه‌ای درگیری‌های پالایشگاه «بیجی» عراق، نمونه بارزی از یک جنگ رسانه‌ای واقعی بین داعش و مخالفان بود. بارها دیده شده که رسانه‌های دولتی اعلام کردند که پالایشگاه را به کنترل خود درآورده‌اند و داعش نیز همزمان با انتشار تصویری از حضور نیروهایش در پالایشگاه، مخاطب را دچار تردید کرد.

آنچه در رسانه داعش به وضوح دیده می‌شد، انتخاب دقیق صحنه‌ها و استفاده حساب شده از مضامین ایدئولوژیک دینی بود که حاکی از ظرفیت رسانه‌ای قابل توجه این گروه بود.

ممکن است این سوال مطرح شود که چگونه است در نظرگاه سلفیان که بازگشت به اسلوب «سلف صالح» توصیه می‌شود، رهبران داعش نسبت به استفاده از آخرین تکنولوژی هالیوودی و شبکه‌های وسیع اجتماعی اینترنت، ابایی نداشتند. واقعیت آن است که سابقه جریان‌های «سلفی جهادی» نشان می‌دهد که آنها در مسیر ابلاغ پیام خود از هیچ وسیله ارتباطاتی دریغ نمی‌کنند. هیچ جریانی در میان گروه‌های سلفی جهادی، خصوصا القاعده و داعش، دیده نشده که با بکارگیری این تکنولوژی مشکل داشته باشد. عمده اختلاف آن است که از حیث ماهیت فرهنگی و فلسفی، با تکنولوژی و مدرنیته غربی مشکل دارند. با این حال، همواره آن را پدیده‌ای انسانی می‌دانند که استفاده از آن در رقابت با مخالفان ناگزیر خواهد بود.

واقعیت آن است که داعش نسبت به تمامی گروه‌های رادیکال همانند خود، در بکارگیری این امکانات جدی‌تر بوده است. البته به نظر می‌رسد علت این امر را باید در تحولات منطقه، به ویژه پس از انقلاب‌های عربی جستجو کرد. ناآرامی‌ها و شبه کودتاهای پس از انقلاب، در تقابل با یک فرهنگ فراگیر اسلام‌گرا که خواستار مشارکت سیاسی و تغییرات مسالمت‌آمیز بوده، تبعات سنگینی برای منطقه داشته است. نوع تعامل جریان‌های سکولار با این رویکرد مسالمت‌آمیز گروه‌های اسلام‌گرای عمدتاً اخوانی، همانند آنچه در مصر، لیبی و یمن روی داد، موجب شد تا گروه‌های مسلح سلفی بتوانند ایدئولوژی خود را با قاطعیت بیشتری در میان نسل جوان جهان عرب تبلیغ نمایند. پیام ایدئولوژیک این جریان این بود که «تغییر مسالمت‌آمیز تحت سلطه حاکمیت نظامی اقتدارگرا ممکن نخواهد بود». بسیاری این مسئله را مهمترین انگیزه گرایش جوانان به این جریان و مشخصا داعش می‌دانند. نکته‌ای که در کنار رویکرد مبتنی بر تقابل جدی طائفه‌ای و مذهبی در عراق و سوریه تا حدود زیادی ماهیت ایدئولوژیک داعش را از دیگر گروه‌های رقیب خود متمایز ساخت.



خشونت و مشروعیت

دکتر سید یاسر قزوینی حائری

راز جذابیت داعش

گروه موسوم به «داعش» چگونه از رهگذر سازوکارهای رسانه‌ای توانست به جذب نیرو پرداخته، جوانانی را از اقصی نقاط جهان اسلام و غیر آن به خود جذب نماید؟ این پرسشی است که امروزه به عنوان یکی از پرسش‌های رایج نهادهای مطالعاتی و مطالعات راهبردی در جهان و منطقه و کشورمان تبدیل شده است. به نظر می‌رسد جنس این پرسش، در لایه‌های آکادمیک، پرسشی میان رشته‌ای است. به دیگر سخن نمی‌توان برای این پرسش، پاسخی تک بعدی یا تک ساحتی در نظر گرفت. بلکه رشته‌های متعدد آکادمیک دانشگاهی از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ارتباطات، دانش‌های مختلف مرتبط با رسانه، علوم سیاسی و چه بسا لایه‌های مختلف فلسفه و تاریخ نیز می‌توانند درگیر پاسخ به این پرسش چند بعدی بشوند. به این مجموعه از دانش‌های امروزی، علوم مختلف دینی شامل علم حدیث و فقه و فرق و ... را نیز اضافه کنید. در این بین در کنار آشنایی کافی با زبان تصویر، نباید از آشنایی با زبان یا زبان دانی یعنی عربی دانی، انگلیسی دانی، فرانسوی دانی و ... نیز غافل شد.

با این وجود به نظر می‌رسد بسیاری در پاسخ به این پرسش تنها یک یا برخی از ابعاد را در نظر دارند و ابعاد مدنظر خود را پاسخی همه جانبه به این پرسش تلقی می‌کنند. دشواری پاسخ به این پرسش از آن روست که با فرایند اقناع سروکار دارد. فرایند اقناعی که برای بسیاری ناآنوس و در



۲۷

داعش
رساله
خشونت

گاهی از منظر رسانه‌ای پاسخ‌هایی تک ساحتی به گوش می‌رسند. اینکه سازوکار رسانه‌ای داعش برای جذب را تنها استفاده از جذابیت خشونت، آن هم در فضای مدرن و پست مدرن در نظر بگیریم، نشان از دو امر دارد؛ یکی عدم آشنایی با تمام تولیدات رسانه‌ای این گروه و مواجهه با برخی از تولیدات به ظاهر معروف ایشان و دوم دادن تفسیری تک ساحتی و چه بسا ابتر از مسئله!

عین حال پرسش برانگیز است. اینکه چگونه یک جوان از دل اروپا یا دل آفریقا یا آسیا و جهان اسلام از رهگذر سازوکارهای مختلف رسانه‌ای نه چندان خوشایند برای بسیاری، به سوی این گروه جذب شدند؟

به نظر می‌رسد بهترین پاسخ را وقتی می‌توان به دست آورد که از روش‌های مختلفی که با عنوان تفهیمی یا توجه به زمینه و کانتکست و مانند اینها خوانده می‌شوند استفاده کرد. به بیان ساده کسی که می‌خواهد به این پرسش پاسخ بدهد، باید در وهله نخست خود را در جایگاه مخاطب قرار دهد. قرار گرفتن در جایگاه مخاطب، به بیان ساده است، در زمان تطبیق شاید خیلی

هم ساده نباشد... یعنی شما باید از فضای فکری خود خارج و به فضای فکری مخاطبی که جذب می‌شود وارد شوید و این امری ساده نیست. به نظر می‌رسد تمام دانش‌های پیش گفته و چه بسا دانش‌های دیگری را باید به کمک گرفت تا خود را در جایگاه مخاطبی که قرار است جذب شود، قرار دهید. با وجود این دشواری اما به نظر می‌رسد گاهی از منظر رسانه‌ای پاسخ‌هایی تک ساحتی به گوش می‌رسند. اینکه سازوکار رسانه‌ای داعش برای جذب را تنها استفاده از جذابیت خشونت، آن هم در فضای مدرن و پست مدرن در نظر بگیریم، نشان از دو امر دارد؛ یکی عدم آشنایی با تمام تولیدات رسانه‌ای این گروه و مواجهه با برخی از تولیدات به ظاهر معروف ایشان و دوم دادن تفسیری تک ساحتی و چه بسا ابتر از مسئله!

در واقع به نظر می‌رسد تولیدات خشن داعش که در آن صحنه‌هایی از سر بریدن و یا سوزاندن و مانند آن نمایش داده می‌شد به عنوان تنها تولیدات این گروه تلقی می‌شود. اما اگر کمی بیشتر جستجو کنیم خواهیم دید که این گونه تولیدات فقط بخشی از تولیدات رسانه‌ای داعش بوده است و بخش دیگری از تولیدات داعش به امور دیگر می‌پرداختند. به عنوان نمونه در فیلمی که در اولین عید فطر پس از تسخیر موصل تولید شد، هیچ اثری از خشونت دیده نمی‌شد، بلکه جوی بسیار دلپذیر و برادرانه میان ساکنان «دولت خلافت» منعکس می‌شود که اگر جذابیتش از تولیدات خشن بیشتر نباشد بی شک کمتر نیست... پس کمترین کاری که برای پاسخ به پرسش پیش گفته باید انجام داد این است که همه تولیدات داعش را در نظر بگیریم نه اینکه تنها به تولیداتی گزینشی بسنده کنیم. گزینشی که در بسیاری از اوقات به دلیل مستند ساختن پاسخ‌هایی که از پیش در ذهن داریم صورت می‌پذیرد و نه کشف واقعیت...





مشروعیت سازی با تم تاریخی

از این نکته که بگذریم؛ وجوه مختلف کار را نیز نباید از یاد برد. به عنوان مثال یکی از ابعاد مهم این تولیدات، ارجاعاتی است که این تولیدات به جهت مشروعیت سازی به تاریخ داشتند... می دانیم که جنبش های سلفی به طور کلی برآنند که صحنه های به وجود آمده در گذشته، به ویژه گذشته متعلق به دوران صدر اسلام و خلفای راشدین را بازنمایی کنند، در این بین نمی توان در تولیدات رسانه ای ایشان از این امر غافل ماند. به عنوان مثال کلیپ «ولو کره الکافرون» و یا کلیپ مربوط به اعدام کارگران مسیحی مصری در ساحل لیبی که در آن سر بردن تعداد زیادی از قربانی ها با هم به نمایش در می آید، می تواند باز تولید برخی از صحنه های روایت شده در تاریخ قرن نخست هجری باشند.

این باز تولید صحنه هایی از تاریخ قرن اول، شاید در کنار ایجاد جوی از رعب در میان رقیبان و مخالفان، گونه ای مشروعیت سازی را نیز از رهگذر ارجاع به صحنه هایی که گاهی منابع تاریخی درباره جنگ های رده و یا فتوح دارند مد نظر داشته باشند.

به عنوان نمونه بردن سر تعداد زیادی اسیر در کنار هم و تلاش برای ایجاد جوی خون، در فیلم «ولو کره الکافرون» و یا در فیلم اعدام مسیحیان در لیبی، تبدیل دریای مدیترانه به دریایی از خون

داعش با بریدن سر تعداد زیادی اسیر در کنار هم و تلاش برای ایجاد جوی خون به عنوان نمونه در فیلم «ولو کره الکافرون» و یا در فیلم اعدام مسیحیان در لیبی و تبدیل دریای مدیترانه به دریایی از خون توسط افکت‌های تصویری، در کنار ایجاد رعب در دل مخالفان، با اشاره به برخی روایت‌های تاریخی، تلاش در مشروعیت سازی نیز داشته است

توسط افکت‌های تصویری، در کنار ایجاد رعب در دل مخالفان، با اشاره به برخی روایت‌های تاریخی، تلاش در مشروعیت سازی نیز داشتند.

ایجاد جوی خون از کشته‌های یک منطقه یا شهر مغلوب از سوی لشکر فاتحان، یکی از تم‌های منابع تاریخی در شرح جنگ‌ها می‌باشد. تاریخ قرون نخست اسلامی، به ویژه تاریخ آنچه از آن با عنوان فتوح یاد می‌شود نیز خالی از این تصاویر هولناک نیست، تصاویری که گاهی به برخی از قهرمانان که جایگاهی والا نزد بسیاری از مسلمانان دارند منتسب می‌شود.

دست کم دو نمونه شرح تفصیلی از ایجاد جوی خون توسط فاتحان مسلمان می‌توان به یاد آورد. یکی در دوره تسلط بنی امیه و منتسب به یزید بن مهلب که وقتی گرگان را فتح کرد آنقدر سر برید که رود ایشان رود خون شد و این رود خون آسیاب‌ها را به حرکت در آورد و موجب شد تا گندم آرد شده و آن آرد به نان تبدیل شود. در تاریخ الفی می‌خوانیم: «... روی به جرجان نهاد و بر ظاهر شهر فرود آمده به ضرب منجنیق آن شهر را نیز فتح نموده به قتل خلائق امر کرد و فرمود تا جمعی کثیر را بر کنار جوییی که به آسیامی‌رفت گوسفندوار ذبح کردند تا به جای آب، آسیا به خون گردان شد...» اما از این مهمتر، انتساب مانند چنین عملی به خالد بن الولید است که بی شک در نزد بسیاری از مسلمانان جایگاهی بس رفیع دارد و لقب سیف الاسلام را یدک می‌کشد. ناگفته نماند که روایت‌های مرتبط با فتوح ایران به ویژه روایت‌های منتسب به خالد بن الولید که از سوی سیف بن عمر نقل شده و در کتاب‌های تاریخی از جمله طبری آمده‌اند، از سوی بسیاری از کارشناسان و اهل فن مورد شک و تردید جدی می‌باشند، اما در نهایت روایت‌هایی منتسب به یکی از مهمترین سرداران فتوح هستند!

در روایت طبری از فتح آلیس در بین النهرین از سوی خالد بن الولید که سیف بن عمر آن را روایت کرده است می‌خوانیم: «... خالد گفت: «خدایا نذر می‌کنم اگر بر آنها دست یافتم چندان از آنها بکشم که خون‌هایشان را در رودشان روان کنم.» آنگاه خداوند عزوجل مغلوب مسلمانان‌شان کرد و خالد بگفت تا منادی وی میان مردم ندا دهد: «اسیر بگیرید، اسیر بگیرید، هیچکس را نکشید مگر آنکه مقاومت کند» سواران گروه گروه از آنها را که به اسارت گرفته بودند می‌آوردند و خالد کسانی را معین کرده بود که گردنشان را در رود میزدند و یک روز و شب چنین کرد و فردا و پس فردا به تعقیب آنها بودند تا به نهرین رسیدند و از هر سوی آلیس همین مقدار پیش رفتند و گردن



۳۰

داعش
رسالة
عشرون

همه را زدند. اما قعقاع و کسانی همانند وی گفتند: «اگر مردم زمین را بکشی خونشان روان نشود که از وقتی خون را از سیلان ممنوع داشته‌اند و زمین را از فرو بردن خون‌ها نهی کرده‌اند خون بر جای خویش می‌ماند، آب بر آن روان کن تا قسم خویش را به انجام برده باشی.» و چون آب از رود بر گرفته بود آب در آن روان کرد و خون روان شد و به همین سبب تاکنون رود خون نام دارد...» اینها فقط دو روایتی بودند از روایت‌های فتوح که می‌توان بازسازی آنها را در تولیدات داعش دید، امری که می‌تواند از رهگذر ارجاع به حوادثی «اسطوره‌ای» در گذشته‌ای «مقدس» در میان برخی مشروعیت کسب نماید. شاید اگر از این زاویه به موضوع نظر افکنیم بتوانیم گره‌های بسیاری را که امروزه برای بسیاری ابهام‌انگیز شده و متناقض به نظر می‌آیند، بگشاییم.

البته باید گفت که این تنها یکی از زوایای متعددی است که می‌توان از آن، به موضوع نگریست. از طرفی با گشایش این زاویه چه بسا پرسش‌های بسیار دیگری به ذهنمان متبادر شود.



بازی گرفتن از مقتول

در این بین البته نمی‌توان از جذابیت‌های مبهوت‌کننده‌ای نیز که در تولیدات داعشی داعش به چشم می‌خوردند غافل ماند. جذابیت‌هایی که در بالاترین سطوح سینمایی نیز شاید نتوان از

آنها سراغ گرفت. در اینجا به چند مثال بسنده می‌کنم. یکی از این عناصر جذاب و در عین حال در نهایت خشونت که گاهی دوباره انسان را با پرسش‌های بنیادین و اولینش روبرو می‌سازد شاید آن چیزی باشد که بتوان از آن تحت عنوان "بازی گرفتن از مقتول" یاد کرد. در تعدادی از تولیدات با کیفیت داعش می‌بینیم که مقتول در خدمت فیلم، دست به بازی‌های فیزیکی می‌زند، مثلاً حرکت توأم با پشیمانی خلبان اردنی الکساسبه پیش از ورود به قفس اعدام، و یا حتی آخرین حرکات او در برابر زوایای دوربین‌های داعش پیش از رسیدن شعله‌های آتش به وی، یا نشان دادن تمرین‌های نظامی و ورزش‌های مختلف از سوی کسی که در یکی از تولیدات داعش اعتراف می‌کند جاسوس اسرائیل است و البته پس از یکی دو دقیقه اعدام می‌شود.

به نظر می‌رسد این نمونه‌ها بیننده را در تناقضی عمیق فرو می‌برد و پرسشی که هنوز بسیاری در پی آن هستند: قربانیان چگونه در کنار قاتلان خود بلکه در تعامل با قاتلان خود گاهی حتی با نگاه‌های خود صحنه‌هایی بهت آور را رقم می‌زنند... در این بین آنچه بر بهت مخاطب می‌افزاید خرق عادت است که صورت می‌پذیرد. در واقع مخاطب امروزی عادت دارد که در مقابل صحنه‌های اکشن و چه بسا خشن فیلم‌های هالیوودی و غیر آن بنشیند و خشن‌ترین صحنه‌ها را ببیند با این اطمینان که این صحنه‌ها با آن پروداکشن با کیفیت، تنها تصاویری دروغین ساخته و پرداخته عوامل فیلم هستند.



خشونت‌ی واقعی‌تر از واقعی

اما خرق عادت آزار دهنده‌ای که در تولیدات نمایشی داعش شکل می‌گرفت این بود که به خلاف عادت، پروداکشن با کیفیت بالا الزاما به معنی این نیست که تصاویر دروغین و ساختگی باشند. در واقع پیش از این تصاویری با کیفیت نمایشی بالا، نشان از ساختگی بودن داشت، چرا که این کیفیت نمایشی بالا، می‌خواست تصاویر ساختگی، برای مخاطب باورپذیرتر شود و اگر مثلا صحنه‌ای خشن را می‌دیدید مطمئنا به دلیل شرایط شکل‌گیری یک صحنه خشن، مثلا آنی بودن حادثه یا عدم نیاز به القای باورپذیری صحنه به دلیل اینکه اساسا تصویر واقعی است، نمی‌توانست از پروداکشن با کیفیت بالای نمایشی برخوردار باشد.

مخاطب امروزی عادت دارد که در مقابل صحنه‌های اکشن و چه بسا خشن فیلم‌های هالیوودی و غیر آن بنشیند و خشن‌ترین صحنه‌ها را ببیند با این اطمینان که این صحنه‌ها با آن پروداکشن با کیفیت، تنها تصاویری دروغین، ساخته و پرداخته عوامل فیلم هستند. اما خرق عادت آزار دهنده‌ای که در تولیدات نمایشی داعش شکل می‌گیرد این است که به خلاف عادت، پروداکشن با کیفیت بالا الزاما به معنی این نیست که تصاویر دروغین و ساختگی باشند

اما رویکرد آزار دهنده‌ای که در تولیدات مورد نظر ما وجود دارد، برنامه‌ریزی صحنه‌هایی از زوایای مختلف، با استفاده از بهترین ابزارهای تکنیکی برای نمایش آن امر بسیار خشنی که قرار است به صورت واقعی، و نه ساختگی، رخ دهد. شاید این به هم زدن کیفیت تصاویر ساختگی و واقعی، مخاطب را دچار تناقضی می‌کند که البته خشونت و بی‌رحمی‌ای جذاب را در برابر خود می‌یابد که مبهوتش می‌کند... شاید بتوان گفت این تولیدات، در واقع سینما را با این روش به چالش کشیده بود بلکه از جهاتی خلع سلاح می‌کرد. البته اگر این عناصر را در کنار عناصر مشروعیت‌ساز پیش‌گفته بینیم به نظر می‌رسد به ابعادی دیگر از موضوع مورد بحثمان دست خواهیم یافت. در پایان باید گفت که این نوشته تنها بر آن بود که بگوید موضوع مورد بحث موضوعی ساده و سهل‌الوصول نیست، بلکه موضوعی پیچیده و با ابعاد مختلف است که چه بسا در قالب‌های تیمی متشکل از متخصصان حوزه‌های مختلف بتوان به فهمی عمیق از آن دست یافت.



۳۳

دوره‌ی
رساله
عشوه

داعش: دال بدون مدلول

سید مهدی ناظمی قره‌باغ

ریشه‌ی داعش

داعش کجاست؟ بعد از اشغال الرمادی، خوش‌بین‌ترین افراد هم اعتراف کردند، اعترافی صد البته دیر هنگام، چرا که مدت‌ها قبل بسیاری از مردم عراق این را گفته بودند، که این یک عملیات ائتلافی بود از برخی قبایل همان منطقه به علاوه برخی افسران و نیروهای نظامی قطر و عربستان.^۱ لشکر داعش کجاست؟ آیا می‌توان لشکری با این سازو برگ و مقرر فرماندهی و اماکن صفی و ستادی را مخفی کرد؟ پاسخی که به این پرسش داده می‌شود، در سطح اول خود، سیاسی است. باید این پاسخ سیاسی را فهمید تا بتوان به پاسخ در سطحی دیگر رسید. وقتی از خود مردم عراق یا سوریه درباره داعش می‌پرسیم، متوجه می‌شویم تصویر داعش در رسانه‌های جمعی، غیر از تصویری است که در نزد بسیاری از مردم بوده است. مردم شیعه منطقه، آن دسته‌ای که نزدیک‌تر به این حوادث بودند، می‌دانستند که سال‌هاست بسیاری از شهرهای سنی‌نشین عراق، به شکلی درآمدی بودند که شیعیان حتی نمی‌توانستند از آن گذر کنند، چه رسد به این که فردی غیر بومی بخواهد در آنجا زندگی کند. درست بر خلاف اکاذیب رسانه‌های غربی و عربی، حکومت عراق مقادیر زیادی از امکانات و اختیارات کشور را به اقلیت اهل سنت واگذار کرده است. نیروهای پلیس و بسیاری از نیروهای ارتش، کاملاً در اختیار قبایل اهل سنت هستند و مدیران مناطق سنی‌نشین، از همان مناطق هستند.

۱. نگارنده نیز پیش از این تأکید و در مطلبی مشابه متن حاضر، با نام «داعش وجود ندارد»، به آن اشاره کرده بود.



۳۴

داعش
رسانه
خبروت

پس از سقوط دولت مالکی، بخش‌های بیشتری از دولت و ارتش از دست شیعیان خارج شد. اهل سنت حتی گاهی تماشیل و نشانه‌های حکومت صدام حسین را حفظ و تکریم می‌کنند. دولت هزینه‌های حکومت داعش بر موصل را نیز به تمامی پرداخت کرد! در واقع ارتش عراق هیچ‌گاه با داعش نجنبیده است. حمله به داعش برای ارتش عراق معنایی نداشت. بدنه ارتش عراق در زمان صدام، کاملاً طایفه‌ای بود و به همین خاطر بین دستورات صادر شده و ارتش هماهنگی کامل وجود داشت. در زمان تشکیل حکومت فدرال، ارتش غیر طایفه‌ای است و همین، ارتش را تبدیل به شیر بی یال و دم اشکم نموده است. این در حالی است که باطن روابط اجتماعی و سیاسی همچنان طایفه‌ای است و طیف اهل سنت با استفاده از امکانات مالی و تبلیغاتی کشورهای عرب، روز به روز این طایفه‌گری را تشدید کرده است و این انتظار را در اهل سنت عراق به وجود آورده است که آن‌ها برای بازگشت به دوران قدرت در زمان صدام حسین، مجاز به انجام هر جنایتی هستند.



آنچه داعش می‌خواندند، صرف نظر از تعداد کمی از سلفی‌های تندروی ساکن سوریه که از ملیت‌های مختلف بودند، بقیه همان طوایف و فرقه‌های عراق بودند که مسلح شدند. درست پیش چشم همه ما، تروریست‌ها را از زندان‌ها آزاد می‌کردند، شیعیان را قتل عام می‌کردند و شب‌ها نیز راحت می‌خوابیدند، چون می‌دانستند تحت حمایت حکومتی هستند که از آن‌ها، با عنوان اهل سنت حمایت می‌کند و اگر قصد دیگری هم داشته باشد، بلافاصله توسط افراد قبیله خود در ارتش و دولت، آگاه می‌شوند. این وضع شرم‌آور و شگفت‌انگیز عراق است.

درگیر با تصاویر رسانه‌ای امور سیاسی و نه واقعیت!

این وضع، مخصوص عراق نیست، اگر بخواهیم درباره القاعده نیز بدانیم، با همین مسأله روبرو هستیم. القاعده‌ای که رسانه‌ها و سینمای هالیوود به ما معرفی می‌کنند با القاعده‌ای که در کوچه و بازار با حمایت علنی عربستان و امارات شکل می‌گیرد، فرق دارد. طالبانی که در رسانه است و طالبانی که در بین مردم پشتون منطقه بوده است و خواهد بود یکی نیست!

ما فقط وقتی متوجه سطح جدیدی از واقعیت می‌شویم که این توفیق را پیدا کنیم، از لابلای رسانه‌ها (یا به ندرت خودمان در ارتباط مستقیم با پدیده) اعوجاج تصویر را ببینیم. تصویری از چیزی داشته‌ایم و آن تصویر را بسیار هم جدی می‌پنداشتیم، اما آن تصویر، پنداری بیش نبوده است. در یک دوره، بسیاری از روحانیون و روشنفکران سکولار عرب، در رسانه حاضر شدند و کم‌وبیش از داعش دفاع کردند. برخی از رسانه‌ها حتی مدعی بودند ایران و سوریه پشت پرده تشکیل داعش بوده و حتی داعش را شیعه خواندند. اگر از دل رسانه‌های رقیب، آنجا که اختلافی بین رسانه‌ها رخ دهد، به مسأله دقت کنیم، درمی‌یابیم سال‌هاست درگیری ما در سیاست، درگیری با تصاویر رسانه‌ای امور سیاسی شده است. سال‌هاست ما عادت کرده‌ایم بپرسیم بی‌بی‌سی درست می‌گوید یا فاکس نیوز؟! العربیه یا العالم؟!

فعلاً با این مسأله کاری نداریم که کدام رسانه‌ها در این هم‌اورد برتر هستند و پیروز می‌شوند. پرسش اینجاست که این تصاویر رسانه‌ای متعدد که ما از داعش، القاعده یا طالبان درست کرده‌ایم یا برایمان درست کرده‌اند، به چه واقعیتی ارجاع می‌دهند؟ اندکی دقت کنیم، می‌بینیم که ما همواره هر تصویری را با تصویری دیگر جایگزین می‌کنیم. می‌گوییم رسانه‌ها درباره ۱۱ سپتامبر دروغ گفته‌اند، اما برای اثبات این دروغ، باز هم به رسانه دیگری ارجاع می‌دهیم. گویی قرار نیست هیچ‌گاه مدلول مشخصی در برابر کلمات، خودش را نشان دهد. این همان وضعی است که بودریار از آن به «وانمودگی» یاد می‌کند. رسانه‌ای شدن بشر امروز باعث شده است تا هیچ ارتباطی فراتر از رسانه‌ها نداشته باشد و برای فهم یا تصحیح یا نقد یک واقعیت، باز هم به رسانه ارجاع داده شود. نگارنده بر این ادعا نیست که از بین تصاویر رسانه‌ای، نمی‌توان به هیچ تفسیر بهتری رسید. اما نکته اینجاست؛ تنها زمانی می‌توانیم امیدوار باشیم تفسیر درستی از ماجرا به دست آورده‌ایم که دقیقاً به همین محاصره شدن خود در بین رسانه‌ها وقوف پیدا کنیم. نشانه این وقوف، توجه پیدا کردن به وضع انفعالی خود در بین رسانه‌ها و اجتناب از ذوق‌زدگی در برابر رسانه است. در این توجه، ما ملتفت انقطاع خود از چیزها می‌شویم و برای جبران، سعی می‌کنیم با حزم اندیشی و صبر در برابر انبوه تمام‌نشدنی دال‌های تصویری و صوتی رسانه، مواجهه‌ای مدبرانه داشته باشیم.



ما از ترس رسانه‌ای، به رسانه دیگر پناه می‌بریم. وضع داعش در این احاطه رسانه‌ای، منحصر به فرد بود. داعش که خود چیزی نبود جز یک تصویر ساختگی رسانه‌ای، به شکل ویژه‌ای نشان می‌داد که بین اراده به قدرت، تهی شدن کلمات و سیطره نشانه‌های رسانه‌ای، چه تناسبی هست. داعش، آنچه را در القاعده ناگفته باقی مانده بود، عیان کرد

سیطره رسانه بر ما چنان سنگین است که اگر چند سگ بیابان‌گرد در بیابان کشته شوند، کار به راهپیمایی و بیانیه و... می‌کشد اما اگر چند برابر آن، شیعیان عراقی و یمنی که سد راه سلفی‌ها شده‌اند، کشته شوند، احدی احساس غبن و حزن نمی‌کند. یا دختری از ترس سنت‌های قومی منطقه خود، خود را در معرض خطر قرار می‌دهد و متأسفانه بر اثر سانحه‌ای جان می‌دهد، اما رسانه‌ها، داستانی از ماجرا درست می‌کنند که همه چیز در آن معکوس می‌شود. رسانه به تنهایی همه چیز ما را بر عهده گرفته است؛ به جای ما فکر می‌کند، بجای ما نظر می‌دهد، بجای ما انتخاب می‌کند و بجای ما احساسات ما را خرج می‌کند! ما فقط می‌توانیم شبحی از صورت‌های رسانه‌ای باشیم که از وجودبخشی آن، بهره‌مند گشته‌ایم. ما از ترس رسانه‌ای، به رسانه دیگری پناه می‌بریم.



داعش، قدرت را با رسانه نشان می‌داد

وضع داعش در این احاطه رسانه‌ای، منحصر به فرد بود. داعش که خود چیزی نبود جز یک تصویر ساختگی رسانه‌ای، به شکل ویژه‌ای نشان داد که بین اراده به قدرت، تهی شدن کلمات و سیطره نشانه‌های رسانه‌ای، چه تناسبی هست. داعش، آنچه را در القاعده ناگفته باقی مانده

آنچه داعش می خواندند، صرف نظر از تعداد کمی از سلفی های تندروی ساکن سوریه که از ملیت های مختلف بودند، بقیه همان طوایف و فرقی عراق بودند که مسلح شدند

بود، عیان کرد. داعش نشان داد که انتهای مسیری که ابن حنبل و ابن تیمیه باز می کنند کجاست. داعش نشان داد حتی ایدئولوژی خاصی هم نیازی نیست وجود داشته باشد، اگر قرار است قدرت، در برهنه ترین شکل خود ظاهر شود. قدرت، هیچ محدودیتی را نمی پذیرد و بر این اساس خودش از ایدئولوژی جدا می شود.

یکی از رموز جذابیت داعش همین بود. داعش، قدرت را با رسانه نشان می داد و همه کسانی که سال ها روحانی یا ستاره راک یا روسپی یا ورزشکار یا حتی استاد دانشگاه بوده اند، ناگهان احساس کردند گم شده خود را یافته اند. داعش به همه نشان می داد که از هر ملیتی که باشید و با هر زبانی که سخن می گوئید، برایتان جا هست. فقط کافیست که اهلیت «قدرت» را پیدا کنید. بدانید که برای قدرت لازم است حتی جان بدهید. اگر ندهید، در این بازی کودکانه، جان شما گرفته می شود. داعش یک تراژدی بود که اجازه نمی داد امور در شکل قبلی خود باقی بمانند. همه باید در داعش خود را بازیابی می کردند. به عبارت بهتر، همه باید نسبت خود را با قدرت مشخص می کردند، با قدرت داعش یا با قدرتی علیه داعش.

قدرت داعش چگونه نشان داده می شد؟ قدرت داعش در اسلحه و ماشین های شاسی بلند نبود، که البته این ها برای یک شورش یا کودتا ضروری است، اما قدرت جذابیت داعش و قدرت هراسناک و مخرب بودن آن، در رسانه داعش بود. روزی همه دنیا رسانه داعش شده بودند. داعش هم می دانست با رسانه چگونه کار کند. همه چیز داعش، از رهبر دروغین تا ایدئولوگ های کذاب آن، از جلادها و پهلوان پنبه هایی که با شجاعت (!) سر انسان های غیر نظامی را می بریدند، همه و همه وجود خود را از رسانه می گرفتند. کارگردان های زبردست و رسانه هایی حرفه ای می دانند چه چیز را با چه چیز باید ترکیب کنند که داعش تبدیل شود به یک گول بی شاخ و دم، موجودی هراس انگیز که باید توسط انسان مدرن تبعید شود و همه ما انسان های بد را به جان هم بیندازد تا وقتی که این منطقه کاملاً بی خطر در اختیار منجی های چشم آبی قرار گیرد. تقریباً هر آنچه ما از داعش می دانیم، یک وجه رسانه ای دارد. داعش دارای لشکری فیلم ساز، خبر ساز، گزارشگر و... بود که در سرتاسر دنیا به صورت های مختلف و در رسانه های مختلف، از جمله شبکه های اجتماعی برای او کار می کردند.

در ماجرای القاعده یا طالبان، وضع رسانه ای یک طرفه بود. غرب می ساخت و همه نگاه می کردیم. در چنین وضعی، امکان بیشتری برای خدشه کردن به تصویر رسانه ای و طبعاً قدرت



۳۸

داعش
رسانه
عشوه

رسانه‌ای غرب فراهم بود. اما در ماجرای داعش، ابژه و سوژه، یکی شدند. داعش، هم بازیگر بود و هم کارگردان. سناریویی نه البته از پیش نوشته شده، ولی همزمان در حال نگارش، داعش و رسانه‌های غربی و عربی را همزمان با هم متحد می‌کرد. داعش فقط جلوی دوربین ظاهر نمی‌شد. اگر جایی بازی می‌کرد، جایی هم خودش کارگردانی می‌کرد. گویی حسی پنهانی، یک دست غیبی به سران داعش (؟) الهام می‌کرد که باید چنین و چنان بازی کرد. داعش از تصویری که غرب برای او می‌ساخت، لذت می‌برد و خود، این تصویر را برجسته‌تر می‌کرد. شاید گمان برود این از نادانی داعش بوده که کاملاً خود را بازیچه غرب کرده و یا شاید این ساخت‌وپاخت بوده. شکی نیست که داعش با برخی از دول عربی و غربی ارتباط داشته است. اما تصویر رسانه‌ای داعش، نتیجه تباری نبود. این تصویر نتیجه خودآگاهی داعش بود مبنی بر این که می‌تواند در تولید رسانه‌ای خودش سهیم باشد.



داعش یک دروغ رسانه‌ای بود

داعش احساس می‌کرد، و به درستی احساس می‌کرد، وقتی تصویر رسانه‌ای خودش را ساخت، دیگر هیچ کس نمی‌تواند آن را از او بگیرد. رسانه، مومی در دست من نیست که امروز یک شکلی از تصویر را بسازم و فردا شکلی دیگر. تصویر رسانه‌ای، دال بدون مدلول است. زنجیره‌ای بی پایان از دلالت‌های تصویری که هیچ‌گاه به مدلول خود نمی‌رسد و شما را ناگزیر می‌سازد تا با انبوهی

قدرت جذابیت داعش و قدرت هراسناک و مخرب بودن آن، در رسانه داعش بود. آن روز همه دنیا رسانه داعش بودند. داعش هم می‌دانست باید با رسانه چگونه کار کند. همه چیز داعش، از رهبر دروغین آن تا ایدئولوگ‌های کذاب آن، از جلادها و پهلوان پنبه‌هایی که با شجاعت (!) سر انسان‌های غیر نظامی را می‌بردند، همه و همه وجود خود را از رسانه می‌گرفتند

از کلمات تهی، سرگرم شوید. داعش، قدرت را فهمیده بود و چون هیچ محتوا و باطنی جز همین قدرت نهیلیستی نداشت، به خوبی با آن متحد شده بود. به همین خاطر بود که داعش توانست آثار باستانی بی نظیر دنیا را تخریب کند. توانست، چون رسانه طالب این تصویر بود و اگر داعش این کار را نمی‌کرد، تصویر مخدوش می‌شد. داعش این تصاویر را می‌ساخت تا فردایی دیگر، هیچ قدرتی نتواند با او هم‌وردی کند. می‌خواست نام داعش مانند نام چنگیز باشد که صرف نامش برای مغلوب شدن کفایست. قدرتی که در کل خاورمیانه بی‌رقیب باشد.

آنچه به غول فرانکشتاین جان می‌دهد چیست؟ غول فرانکشتاین، هر کدام از اجزای خود را از دیگری داشت. اما روحی هست که به این غول جان می‌دهد. غولی می‌شود شبیه انسان که نه چیزی می‌داند و نه چیزی به یاد می‌آورد. تاریخ ندارد و دشمن آن است. فقط می‌داند که باید بترساند و بترسد. داعش، هیچ کالبد خاصی نداشت. کولازی بود از وهابیت، اهل سنت، پان عربیسم، اخوان المسلمین، دلارهای نفتی، سلاح‌های غربی، کارشناسان ترک، حزب بعث، نقشبندیه و... همه یا بخشی از آنها یا هیچکدام. فقط یک چیز بود که به داعش جان می‌داد و آن هم خواست قدرت بود. قدرتی که به مدد رسانه امکان تحقق یافت. برای گذر از داعش، اول باید تلاش کرد از تصویر داعش رهایی یافت. همچون پابرهنگان امرلی، با چیزی که واقعاً هست مبارزه کرد. داعش، یک چند ضلعی از تلاقی منازعات مختلف و به عبارت بهتر، همان قدرت غرب بود که به دنبال وضع مقابل در خاورمیانه می‌گشت و هیچ نامی جز تصویر قدرت نهیلیستی شایسته آن نیست.



۴۰

داعش
رسانه
عشوه

نشست رسانه و داعش

با حضور آقایان

ابواحمد البحرانی؛ نماینده سابق الجزیره و نماینده کنونی المیادین در ایران

سید علی موجانی؛ پژوهشگر تاریخ روابط خارجی

یاسر قزوینی؛ دبیر نشست

کار رسانه‌ای برای تحقق هر هدف بزرگ

قزوینی: چرا رابطه داعش و رسانه مهم است؟

بحرانی: فکر می‌کنم بهتر است بحث را با گفتگو در مورد ماهیت داعش آغاز کنیم. رسانه برای تمامی اقشار سیاسی، اجتماعی، دینی، اقتصادی، ورزشی و... مهم است و رسانه خود را بر تمام این اقشار تحمیل می‌کند. به این ترتیب داعش و رسانه نیز دو واژه هستند که انتظار می‌رود با یکدیگر متلازم و همراه باشند. در اینجا اهداف بزرگی وجود دارد و هرگاه که نیروی سیاسی یا دولتی اهداف بزرگی داشته باشند، رسانه برای آن نیروی سیاسی و برای آن دولت و برای ما، به همان اندازه به عنصری مهم بدل خواهد شد.

طبعاً تمام گروه‌های مسلح و در صدر آنها گروه داعش، تلاش می‌کردند از شرایط بهره‌برداری کنند و شرایط برای آنها استثنایی بود. داعش در غیاب نظام‌ها و خلأ کامل در منطقه به قدرت رسید. خلاء قدرت بخاطر بهار عربی بود که منطقه را درنوردید و آشوبی در منطقه بوجود آورد. ضعف حکومت‌ها و دولت‌ها و یا نبود آنها، داعش را در پرکردن این خلأ تشویق کرد. داعش برای خود هدف بزرگی با عنوان برپایی دولت خلافت اسلامی داشت و این را جایگزین شرعی تمام ساختارهای حکومتی می‌دانست.

قزوینی: داعش آنجا که از طریق رسانه اعلام می‌کرد؛ دولت خلافت اسلامی باقی است و امتداد

می‌یابد، تاثیر این واژه‌ها بر روی مخاطب عرب چه بود؟



۴۱

داعش
رسانه
عشوه

آقای بحرانی: پر واضح است که تمام تلاش‌های داعش، متوجه قشر جوان و نوجوان بود. ترویج این گفتمان را عواملی چون فساد نظام‌های دیکتاتوری و حالت ناامیدی و سرخوردگی که از زمان موافقت‌نامه سایکس-پیکو در سال ۱۹۱۶ تا به امروز منطقه را درنوردیده، یاری می‌کند. واقعیت این است که شعار دولتی که در مسیر خلافت حرکت می‌کند، عقل بسیاری از جوانان عرب را، به واسطه حالتی که از سرخوردگی و یأس در

آقای موجانی: داعش دو مزیت سخت افزاری و نرم افزاری داشت. آن چیزی که داعش را موفق کرد مزیت نرم افزاری اش بود؛ یعنی قدرت تأثیرگذاری رسانه‌ای، جذب نیرو و انتقال پیامی که داشت

آنها وجود داشته، به تسخیر درآورد. داعش در مدت کمتر از یکسال توانست مرز میان سوریه و عراق را از میان بردارد. مرزهایی که حزب بعث عربی سوسیالیستی، از الغای آن و یکی‌سازی دو کشور عراق و سوریه، علی‌رغم شعار این حزب مبنی بر وحدت عربی، آزادی و سوسیالیسم، ناتوان ماند. داعش بر خلاف میل تمام حکام منطقه، عراق و سوریه را یکی کرد. در حالی که مهمترین کشورها در مشرق عربی همان سوریه و عراق هستند. این به هم پیوستن کشورها و از میان رفتن مرزها، رؤیایی بود که تمام عرب‌ها بدون استثناء آن را در سر می‌پروراندند و به ناگاه در عرض یک ماه داعش موفقیت زیادی در این زمینه به دست آورد.



۴۲

داعش
رسانه
خشونت

دست پرتر داعش در رسانه

آقای موجانی: داعش دو مزیت سخت افزاری و نرم افزاری داشت؛ به لحاظ سخت افزاری؛ قدرت جنگی، مدیریت جنگ و عملیات نظامی، جسارت نیروها و لجستیک کردن نیرویی که آموزش دیده نبودند اما ارتشی سازماندهی شده را زمین گیر کردند، اینها مزیت سخت افزاری بود اما این مزیت‌ها خیلی داعش را موفق نکرد. آن چیزی که داعش را موفق کرد مزیت نرم افزار و قدرت تأثیرگذاری رسانه‌ای و جذب نیرو و انتقال پیامی بود که داشتند. پیام داعش چیزی جز اعادهٔ خلافت اسلامی و بازگشت به تاریخ اسلام، به تعبیر خودش، نبود.

داعش برای آرمان و الگویی که نزد عامهٔ اهل دنیای اسلام، به ویژه اهل سنت، مطلوبیت داشت روی زمین مرز تعیین کرد. یعنی خواستِ اعادهٔ خلافت، خواستی است که در نگاه اهل سنت همیشه وجود داشته، مثل اینکه ما شیعیان همیشه دوست داریم حکومت عدل علوی را برگردانیم و مصداقی از آن حکومت باشیم. داعش الگو احیای خلافت اسلامی را گرفته بود و این الگو و پیام را توانست از طریق مزیت رسانه‌ای خودش به سرعت ترویج کند و تأثیر بگذارد.

چگونه شد که داعش درک کرد، رسانه عامل مهمی است؟ آن آدم‌هایی که در کنار رود فرات بودند هیچ کدام این اندازه دانش نداشتند که بتوانند کلیپ و فیلم بسازند، برنامه تولید کنند و بتوانند پیام‌هایشان را انتقال بدهند. یک محیط زراعی و ساده، مجتمعات فلاحتی و جامعه‌ای که به دلیل مشکلات اقتصادی و اجتماعی تا حد زیادی در دوران حکومت‌های گذشته، مثلاً در زمان صدام، محدود بودند چنین اندیشه و توانی را نداشتند. از درون چنین جامعه‌ای ممکن نیست نیرویی برخیزد که بتواند به رسانه‌های بزرگ دنیا تنه بزند و همهٔ آنها را، به لحاظ تکنیک، تحت تأثیر قرار بدهد. سرویس‌های امنیتی و کشورهای مختلف آنها را آموزش دادند و دسترسی و توانایی‌ها برایشان ایجاد کردند. داعش خیلی متفاوت با نمونهٔ جنبش‌های گذشته بود. جنبشی که قدرت جذب عناصر متنوع و متمایز از هم را داشت. صوفی و بعثی و سلفی و بچه‌های شش آوریل، تفکرهایی که نوگرا بودند و ابزارهای رسانه را می‌شناختند، جذب کرد. نیروهای سرخوردهٔ اروپایی و تکنسین‌های متعدد را جذب کرد. در کارهای رسانه‌ای و دعوتی که داشت بیشتر خطاب به تکنسین‌ها بود و تنها به دنبال این نبود که جمعیتی از مردم عادی را جذب امارت و خلافت خودش کند. داعش قدرت رسانه را برای آرمانی به کار گرفت که نوستالوژی عامهٔ اهل سنت بود!

آقای بحرانی: در روز اشغال استان موصل ۱۲ هزار آکانت و ۴۰ هزار توئیت از سوی طرفداران داعش نوشته شد. این واقعیت بدین معناست که داعش از تکنولوژی مدرن رسانه‌ای در بهترین شکل آن بهره برده است. به ویژه اینکه این گروه زبان‌های عربی و انگلیسی و حتی زبان‌های دیگر را مورد استفاده قرار داده است.



۴۳

داعش
رسانه
عشوه

داعش و بازسازی خشونت تاریخی

یاسر قزوینی: سبک قتل‌هایی که داعش انجام می‌داد به سبک قتل‌های بعثی‌ها نزدیک است، مثلاً بعد از انتفاضه ۱۹۹۱ بعثی‌ها چنین کارهایی را انجام دادند، آیا بعثی‌ها در این نوع کشتارهای داعش تاثیر داشتند؟

آقای موجانی: من فکر می‌کنم هر حکومتی در مشرق زمین، بقای خودش را در ایجاد رعب و ترس در جامعه می‌دانشسته و این در تاریخ ما نیز هست. در عراق مثلاً حجاج بن یوسف یا زیاد بن ابیه همین کارها را کردند. اصلاً فکر کنید کتاب‌های درسی تاریخ خودمان را می‌خوانیم؛ سر شورشی را می‌بردند و جلوی پای خلیفه می‌انداختند و این سنت بوده برای اینکه بتواند نشان دهد که حاکم است. بر دار آویختن جنازه را هم در تاریخ داریم.

بربهراری^۱ در قرن چهارم فتوای حمله به روضه کاظمین را صادر کرد برای اینکه حرم امام موسی کاظم (ع) را تخریب کنند و کردند! بعد رفتند به او گفتند تخریب شده، گفت چرا پیکر را در نیاوردید و به آتش نکشیدید؟! پس در تاریخ همه رفتارهای داعش را می‌بینیم. ما بیشتر تاریخ ایران را خوانده‌ایم، ولی آنها تاریخ خودشان را خوانده‌اند. بنابراین وقتی که اینها را می‌بینند گویا بخشی از تاریخشان است. وقتی صحبت از خلافت است، خلافتی که مصداقش همچون خلافت عباسی است، تمام این کارها که گفته شد انجام می‌داده و به آن افتخار می‌کرده و طبیعی است که افکار عمومی و طبقات اجتماعی سطح پایین که درک و دانش‌شان از تاریخ و فهمشان از گذشته بسیط است، رفتارهای داعش را مشروع بدانند.

القاعده وقتی که آمد، می‌خواست ترس را در قدرت جهانی ایجاد کند. عملیات‌های تروریستی که القاعده داشت، نمونه متفاوتی نسبت به آن سنت تاریخی داشت. برج‌های دوقلو را فرو می‌ریخت تا به همه نشان بدهد که دنیا از بین رفته، نظام‌ها از بین رفته‌اند و هدف آنجاست. مترو را در مالدیو منفجر می‌کرد، می‌خواست کشتارها سنگین باشد، ناگهان در قلب اروپا یک عملیاتی می‌کرد و چند ده نفر را همزمان می‌کشت تا ترس را جهانی کند. اما داعش اصلاً این مسیر را طی نکرد، داعش می‌خواست ترس را فردی کند! یعنی در دل هر آدمی ترس را وارد کند. به همین خاطر است که ارتش عراق یا سوریه وقتی اولین انفجار را می‌دیدند، سلاحشان را می‌گذاشتند و می‌رفتند!

نکته دیگر اینکه القاعده نظام‌مند بود، یعنی مسئولیت عملیاتی که انجام داده بود می‌پذیرفت



۴۴

داعش
رسالة
عشوریت

۱. ابو محمد حسن بن علی بن خلف بربهراری: وی متکلم مشهور حنبلی، محدث، فقیه و یکی از وعاظ مردم پسندی بود که در تاریخ خلافت سده‌ی چهارم، بر ضد داعیان شیعه نقش مهمی ایفا می‌کرد. وی اولین بار زیارت قبور را منع کرد و نوحه‌گری و مرثیه‌خوانی برای ابا عبدالله علیه السلام را قدهغن ساخت. تا قبل از بربهراری منع زیارت قبور و نوحه و مرثیه‌خوانی به صورت فتوا نبود؛ بلکه حکم حکومتی بود. وی هم چنین به کشتن نوحه‌خوان‌ها فرمان می‌داد. (نشوار المحاضرة، ج ۲، ص ۱۳۴)

یاسر قزوینی: خود این آدمی که قرار است اعدام بشود کاملاً بازی می‌کرد، حتی سینما را به سخره گرفتند. معاذ کساسبه (خلبان اردنی) که سوزانده شد در لحظه آخر که آتش داشت به او می‌رسید، هنوز بازی می‌کرد. به نظر من بعد از این فیلم‌ها، فیلم‌های خشن آمریکایی اصلاً کاربرد و جذابیتی ندارد

و روش‌های مشخصی هم داشت. اما داعش، اصلاً نظام‌مند نبود. گاهی اوقات روش‌های بصری داشت، مثلاً با تک تیر به پشت سر سربازانی که به اسارت می‌گرفت، شلیک می‌کرد یا اسیر را آتش می‌زد یا سر می‌برید یا طرف را با خمپاره می‌زد. یعنی همه رفتارهایش خارج از قواعد و چارچوب است و به نوعی می‌خواهد نشان بدهد که می‌تواند از انواع روش‌هایی که مرسوم نیست، استفاده کند و بیشتر احساس ترس و بیم را در جامعه‌ای که بر آن مستولی است تزریق کند.

مخاطب فیلم‌های داعش دو دسته بود؛ دسته‌ای که تحقیر شدند و می‌خواستند انتقام بگیرند و دسته‌ای که ترسیدند و

در ترس ذوب شدند و فهمیدند نمی‌توانند در مقابل اینها بایستند، چون هیچ چیزی از آنها باقی نمی‌گذارند. اما القاعده اینطوری نبود و روش‌های خاص خودش را داشت. به نظر من، ابومصعب الزرقاوی نقطه اتصال بین این دو روش بود. یعنی درست جایی بود که از روش‌های القاعده جلو زد.



۴۵

داعشی
رساله
خشونت



نسبت جغرافیا و داعش

آن چیزی که داعش را به سمت روش‌های القای ترس فردی برد، عامل جغرافیا و تاریخ بود. القاعده دست به قتل عام‌های جمعی می‌زد، اما داعش فرد را زنده زنده در مقابل همه متلاشی می‌کرد. اینجا جغرافیاست که این معنی را در درون خودش دارد، تاریخ عراق و تاریخ شام و تاریخ این قلمرو این آموزه‌ها را به آن داده است.

به نظر من داعش از حوزه رسانه می‌ترسید و دنبال این بود که در این حوزه کسی وارد عمل نشود. ما در حوزه نرم‌افزار هم باید جوابی در قیاس و تقابل با داعش می‌دادیم. داعش ارزش‌های اخلاقی و تمدن‌ساز اسلامی را با کلیپ‌های خشونت بار خود از بین برد. در حالی که پیام وحی، براساس توسعه اخلاق بود که توسط پیامبر زمینی شد و داعش این نگاه را نداشت. پس نقطه مقابل داعش انتشار پیام اخلاقی اسلام بود و این پیام همان چیزی بود که داعش از آن می‌ترسید.

نکته دیگر اینکه داعش دنبال رسانه‌ای شدن بود. وقتی آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها عملیات نظامی روی سوریه و عراق و مواضع داعش انجام می‌دادند داعش هیچ واکنش فوق العاده‌ای نشان نمی‌داد. نهایتش یک آمریکایی را سر می‌برید و منعکس می‌کرد. اما وقتی یک حرکت در حوزه رسانه شد، مثل اقدامی که شارلی ابدو انجام داد، یک واکنش تند از طرف داعش داشت. برای اینکه می‌فهمید تأثیر رسانه چقدر زیاد است. رفتاری هم که اروپایی‌ها و جامعه جهانی به این عمل داعش داشتند، به مراتب خشن‌تر از اقدامی بود که داعش انجام داد.

داعش خشونت را به نوعی با اقدام پیش‌دستانه خودش تبلیغ کرد و اتفاقاً غربی‌ها هم در این چاله افتادند و آنها هم شروع کردند به همین رفتارهای خشن و گفتند فردا دوباره جمع می‌شویم و این همان چیزی بود که داعش می‌خواست. هر اندازه که این اتفاق‌ها می‌افتاد قدرت جذب داعش بیشتر می‌شد و داعش هم دنبال این سرمایه‌گذاری‌ها است.

یاسر قزوینی: یک وجه تولیدات داعش این است که سر می‌برد. اما در وجه دیگر تولیدات می‌دیدیم چیزهای دیگری را به نمایش می‌گذاشتند؛ مثلاً در عید فطر گریه می‌کردند و می‌گفتند اگر اسلام می‌خواهد به اینجا بیاید. یا در برخی کلیپ‌ها و فیلم‌ها افرادی که از آمریکا و جاهای مختلف آمده بودند همدیگر را در مسجد، با آن سرودهایی که می‌خواندند در آغوش می‌گرفتند. اینها خیلی تأثیر گذار بود. از طرف دیگر در فیلم‌های خشن از سال ۲۰۰۳ به بعد تحول تکنیکی داشتند. در فیلم نیکولاس برگ او به راحتی نشست و سرش را بریدند. در آن زمان بحث‌های زیادی شد درباره اینکه نیکولاس برگ، که بود؟ آیا زرقاوی سر او را برید یا نبرید؟

در فیلم‌هایی مثل "ولو کره المشرکون" با چند دوربین فیلم می‌گیرند، با افکت‌های صدایی که



۴۶

داعش
رسانه
عشوه

بحرانی: ما نباید در موضوع جذب جوانان خارجی و بیگانه مبالغه کنیم. بله! درست است که جوانان از ده‌ها کشور رفتند و در عراق و سوریه حاضر شدند، اما حقیقت این است که داعش به دلایل عینی و بسیار مهم و واقعی در عراق و سوریه تولد یافت. یعنی بر اساس اطلاعات موثق، نود درصد عناصر و نیروهای داعش در عراق از میان خود عراقی‌های مناطق غربی بودند

می‌گذاشتند، افکت‌های صدایی که نفس نفس می‌زند، حتی مثلاً کلوز آپ‌هایی که از صورت این افراد می‌گرفتند، گاهی واقعاً تعجب برانگیز است. داعش از مقتول، بازی می‌گیرد. مثلاً در فیلم پسر ۱۹ ساله که گفتند جاسوس اسرائیل در دولت خلافت است و خود آن پسر هم اقرار کرد. در بک گراند فیلمی که ساختند خود این پسر بازی می‌کرد. مثلاً می‌گفت ما به اسرائیل رفتیم اسلحه باز و بسته کردن را یاد گرفتیم، ورزش می‌کردیم. بعد جریان‌هایی که در دولت خلافت برای اتفاق افتاده بود را می‌گفت و خودش هم بازی می‌کرد. یعنی خود این آدمی که قرار است اعدام بشود کاملاً بازی می‌کرد. اینها حتی سینما را به سخره می‌گرفتند.

معاذ کساسبه (خلبان اردنی) که سوزانده شد در لحظه آخر که آتش داشت به او می‌رسید، هنوز بازی می‌کرد. به نظر من بعد از این فیلم‌ها، فیلم‌های خشن آمریکایی اصلاً کاربرد و جذابیتی ندارد. چه فرآیند رسانه‌ای را داعش از سال ۲۰۰۳ طی کرد؟

تصویر عنصر اصلی رسانه داعش

آقای بحرانی: این یک واقعیت است که داعش از رسانه تا حد زیادی استفاده می‌کرد و رسانه داعش همان عنصر تصویر بود. حقیقتاً داعش در تحقق بخشیدن به اهداف خویش، از طریق رسانه و به طور ویژه از طریق تصویر، موفقیت بالایی به دست آورد. داعش اگر از تصویر استفاده نمی‌کرد، نمی‌توانست به دستاوردهای میدانی دست یابد. داعش در درگیری‌های خود در سوریه و عراق و در بیشتر جنگ‌های خود در رقه و موصل و تکریت و الرمادی، بدون آنکه دست به اسلحه ببرد، دشمن خویش را شکست داد و این از طریق تصویر بود!

همچنین مؤسسات رسانه‌ای داعش تا حد بسیار زیادی خود را با پیشرفت همراه ساخته بودند و در زمینه رسانه تخصص یافته بودند و متخصصان و حتی موسسات بسیاری در زمینه اینترنت و شبکه‌های ارتباط جمعی و رسانه در گروه داعش بودند که پیش‌تیبانی‌هایی حقیقی در این زمینه داشتند. سازمان اطلاعات حزب بعث عراق در گذشته شعبه‌ای در شبکه الجزیره داشت که به شکل کاملاً علنی عمل می‌کرد. در واقع روابط بین نظام صدام و شبکه الجزیره بسیار گسترده و کاملاً آشکار بود و این شبکه از نظام صدام پشتیبانی و حمایت می‌کرد.



در قضایای سوریه و عراق الجزیره از روی دیگر همین سکه، یعنی گروه افراطی و خشن و خونریز داعش و قبل از آن از القاعده، حمایت می‌کرد. در آن روزها هر روز حداقل یک گزارش یا خبر به نقل از منابع نزدیک به دولت اسلامی کار می‌کردند. بی‌شک این منابع از خود دولت اسلامی بودند که اخبار را برای الجزیره نقل می‌کردند. این نشان می‌دهد روابط آنها روابطی سری و غیر علنی نبوده است. منظور از الجزیره سیستمی بسیار بزرگ از حیث امکانات و توانمندی‌های فنی و رسانه‌ای و در واقع، یک امپراطوری رسانه‌ای است. بودجه آن براساس اطلاعات موثق سالانه بیش از یک میلیارد دلار است. حتی اگر بخشی از امکانات الجزیره در اختیار داعش و القاعده قرار بگیرد، ابداعات فنی داعش توجیه پذیر می‌شود. فیلم‌های منتشره نیازمند توانایی‌ها و ظرفیت‌های بسیاری در زمینه تولید و کارگردانی و تصویربرداری و... بوده، اما نکته این است که داعش چنین امکاناتی را از کجا به دست آورده؟!



ياسر قزوينی: یک مسئله دیگر که وجود دارد و بسیار مهم است اینکه ما یک رسانه داریم که داعش خودش را در آن متبلور می‌کرد. یک سری رسانه‌های دیگر داشتیم، مثل الجزیره، که با محافظه کاری از داعش حمایت می‌کرد. ما تصاویر متعددی دیدیم؛ چه تصاویر سر بردن با کیفیت بالا، چه فیلم‌های متعددی که نشان از گونه‌ای برادری داشت. اینکه افراد مختلف از کشورهای مختلف جهان گرد هم آمده‌اند با زبان‌های مختلف و تحت لوای خلافت اسلامی زندگی می‌کنند. اینکه یک آلمانی سفید پوست که اصلاً عربی بلد نبود و یک آفریقایی کاملاً سیاه پوست در شب عملیات چنان در آغوش هم گریه می‌کردند. هنگامی که یک جایی در سامرا را گرفته بودند؛ آن

کسی که گزارش می داد وقتی پرچم دولت خلافت را آنجا زدند، به شدت گریه می کرد و می گفت دولت خلافت پرچمش در آنجا برافراشته شد.

داعش توانست برای خودش تاریخ پیدا کند

آقای موجانی: بخشی از رفتار داعش با همهٔ خشونت‌ها و بی عدالتی‌هایی که به خرج می داد، به گذشتهٔ این منطقه (عراق و سوریه) که در طول سالیان تکه تکه شده و دست به دست شده، برمی گردد. وحدت در مرز و پرچم و حکومت با عنوان خلافت، احساسی را که در مردم منطقه با رسانه ایجاد می کرد حس بهتری بود اگرچه رفتارشان غیرانسانی بود. سیستم بعث، انقلاباتی که سرخورده بود، فسادی که وجود داشت و رفتارهایی که صورت گرفت، مردم منطقه را تحقیر کرده بود.

یکی از ویژگی‌های که در تاثیرگذاری داعش خیلی مهم بود این بود که داعش برای خودش توانسته بود تاریخ پیدا کند؛ تاریخی به اندازهٔ تاریخ اسلام، منهای ۱۰ سال حیات پیامبر در مدینه، ویژگی دوم اینکه داعش در یک جغرافیای ژئواستراتژیک وارد شده بود. اگر به اندونزی و مالزی می رفت این تصویر را نداشت. ویژگی سوم این بود که اندیشه مطلوب عامه اهل سنت را تبلیغ می کرد. پویایی و مدیریتی داشت که از همهٔ ابزارها و شناخت‌ها و دقائق و ظرائف منطقه برخوردار بود. بطن و هستهٔ اصلی این مدیریت در حزب بعث عراق بود که از همین منطقه بود و منطقه را خوب می شناخت و رابطه هم داشت.

یاسر قزوینی: آقای موجانی تقسیم بندی کردند که مخاطبین رسانه‌ها و تولیدات داعش؛ یک گروه کسانی بودند که تحقیر شده بودند و می خواستند انتقام بگیرند، این رسانه‌ها آنها را جذب و به آنها کمک کردند. گروه دوم کسانی بودند که با دیدن تصاویر خشونت آمیز دچار رعب و وحشت شدند و داعش آنچه می خواست از این طریق بهره‌برداری کرد. یک گروه هم طیف متعددی از افراد میان سال و جوان بودند که از دل اروپا، حتی افرادی که تحصیلات بالایی داشتند، جذب داعش شدند.

آقای بحرانی: ما نباید در موضوع جذب جوانان خارجی و بیگانه مبالغه کنیم. درست است که جوانان از ده‌ها کشور در عراق و سوریه حاضر شدند، اما حقیقت این است که داعش به دلایل عینی و بسیار مهم و واقعی در عراق و سوریه تولد یافت، یعنی براساس اطلاعات موثق، نود درصد عناصر و نیروهای داعش در عراق از میان خود عراقی‌ها، از اهالی مناطق غربی عراق، بودند. مثلاً در رابطه با سقوط استان موصل با جمعیت سه میلیونی و دومین استان بزرگ عراق، منطقاً قابل



موجانی: داعش پیام برای مستضعفان جهان اسلام نداشت. انقلاب اسلامی ایران این پیام را داشت و احساس فراگیری را به وجود آورده بود. ما شیعه بودیم، ولی احساس انقلاب اسلامی بسیار فراگیر بود. داعش پیام برای کلیت جهان اسلام نداشت

پذیرش نیست که بگوییم داعش باعث سقوط موصل شد. آنچه که باعث سقوط موصل شد، پذیرشی بود که در این استان از داعش وجود داشت. دو یا سه هزار داعشی نمی‌توانست از رقه به موصل بیاید و دومین استان بزرگ عراق را اشغال کند، بلکه فضا از قبل در این استان آماده بود.

یاسر قزوبنی: داعش در فیلم‌ها و کلیپ‌هایی که پخش می‌کرد یک وجهه بین‌المللی از خودش نشان می‌داد. افراد مختلف با زبان‌های مختلف مسلمان‌ها را دعوت به سرزمین دولت خلافت می‌کردند. یعنی بزرگنمایی در مورد حضور بین

المللی افراد داشتند در حالی که بخش زیادی از افراد این گروه متعلق به همان منطقه بودند و در پاسخ به چالش‌های محلی شکل گرفته بودند.

بزرگنمایی جلوه‌های بین‌المللی داعش

آقای موجانی: بزرگنمایی جلوه‌های بین‌المللی داعش بیشتر ابعاد رسانه‌ای داشت تا اینکه واقعیت داشته باشد و بیشتر افراد این گروه از همان مناطق تحت اشغال آنها بودند. قلمرو جغرافیایی داعش زمینه‌های مستعدی را داشته که فکر داعش در آن معنا پیدا کرد و توانست حامی جذب کند و شرایط منطقه‌ای و ویژگی‌های ژئوپولیتیکی منطقه هم دخیل بود. مزیت‌هایی هم برای کشورهای عراق اطراف سوریه و عراق بودند داشت. مثلاً داعش برای ترک‌ها و اسرائیل و حتی عربستان یک مزیت بود. اینکه داعش نتوانست، با اینکه تبلیغات رسانه‌ای زیادی داشت، به طور گسترده از مناطق تحت اشغال خارج شود دلایل متعددی داشت. یکی این که داعش نتوانست مخاطب توده‌ای در دنیای اسلام پیدا کند. به همین خاطر وقتی دعوت می‌کرد، با طبقه و لایه‌ای از جامعه صحبت می‌کرد که طبقات متخصص آموزش دیده و تحصیل کردگان و پزشکان بودند. داعش پیام برای مستضعفان جهان اسلام نداشت. انقلاب اسلامی ایران این پیام را داشت و احساس فراگیری را به وجود آورده بود. ما شیعه بودیم، ولی احساس انقلاب اسلامی بسیار فراگیر بود. داعش پیام برای کلیت جهان اسلام نداشت. چون نتوانست مشروعیت خلافتش را احراز و اثبات کند. داعش نتوانست آنچه را که می‌خواست، به عنوان یک نماینده مؤثر برای اهل سنت، ایفای نقش کند.



۵۰

داعشی
رساله
عشوه